

۱۳۹۹ یازدهمین دوسالانه ملی سرامیک ایران
17th National Ceramic Biennial of Iran 2020



ناشر مؤسسه توسعه هنرهای تجسمی معاصر

زیر نظر هیرید همت آزاد

به کوشش سپیدحسین محمدپور

طراح گرافیک کیانوش غریب پور

دبیر تحریریه سعید اسلام زاده

عکاس آثار فریدون قیصری پور

عکاس رویداد معین باقری

لیتوگرافی و چاپ آندیا گرافیک

تیراژ ۱۰۰۰ نسخه، اسفند ۱۴۰۰

استفاده از تصاویر کتاب بدون اخذ مجوز قانونی از ناشر ممنوع است.

www.2salane.ir

@tajasomi

انجمن هنرمندان سفالگر
اداره کل هنرهای تجسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
مؤسسه توسعه هنرهای تجسمی معاصر
فرهنگسرای تیاوران
International Academy of Ceramics

A I C

فرهنگسرای تیاوران





خودکاوی
Self-analysis

پیام سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به یازدهمین دوسالانه ملی سرامیک ایران

برگزاری یازدهمین دوسالانه ملی سرامیک ایران، جلوه‌ای معاصر از یکی از کهن‌ترین هنرهای ایران زمین را پیش روی هنردوستان قراردادهاست. هنری که بیانگر بخش مهمی از تاریخ ما نیز هست. هنرمندانی که دست‌آفریده‌های آنان، هم در زندگی کاربرد داشته و هم جنبه‌های زیبایی‌شناسی را در طول قرون تقویت و تثبیت کرده است. امروز نیز، هنرمندان سرامیست، با نگاهی معاصر که هم در مضامین و هم در فرم و تکنیک نمود دارد آثاری را تولید و عرضه کرده‌اند که برگی دیگر بر افتخارات تاریخ هنر سرامیک ایران افزوده است. دوسالانه یازدهم سرامیک که پس از چند سال وقفه در شرایط دشوار برگزار شده است، این نوید را می‌دهد که هنر و هنرمندان همواره می‌توانند بارقه امید و کار و آفرینش را در سخت‌ترین شرایط و موقعیت‌ها برای جامعه روشن نگاه دارند. اگر چه شرایط دشوار شیوع ویروس کرونا در ایران و جهان، سبب تعطیلی و نیمه‌کاره ماندن فعالیت‌های فرهنگی و هنری شده است، با این حال می‌توان در چنین موقعیتی و با رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی جریان‌های هنری را حفظ کرد و اشاعه داد. از دست‌اندرکاران برگزاری این رویداد هنری و نیز هنرمندان گرامی انجمن هنرمندان سفالگر که در برپایی این دوسالانه از هیچ کوششی دریغ نکردند، صمیمانه سپاسگزارم.



The message of **Seyed Abbas Salehi** Minister of Culture and Islamic Guidance

The 11th National Iranian Biennial of Ceramic presents a contemporary facade of one of the most ancient arts of Iran to spectators. An art which composes an important part of our history as well, and the artists whose handcrafts have both a practical side and have established and strengthened their aesthetic sides through centuries.

Today also, with a contemporary approach both to subject and to the form and technique, the ceramist artists have created and presented works, which have added another page to the proud history of the Iranian ceramic art.

The 11th National Iranian Biennial of Ceramics, which is held after a few years of interval and under difficult conditions, heralds the good news that art and artist can always kindle the light of hope, effort and creativity in the society even under the most unfavorable conditions and situations.

Although the difficult conditions of the COVID 19 pandemic in Iran and the world have closed down and halted the cultural and artistic activities, nonetheless, by compliance with health guidelines, it is possible to maintain and promote art activities.

I sincerely thank the organizers of this art event as well as the dear artists and the Association of ceramic artists who exerted all efforts to hold this biennial.

پیام معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به یازدهمین دوسالانه ملی سرامیک ایران

هوالصانع

سفال و سرامیک؛ سفیر تمدن و سند زنده‌ی مردمانی است که خاک را به هنر کیمیا کرده‌اند و به آب و آتش دانش، آبادی آفریده‌اند. کهن‌ساخته‌هایی که مصداق انسان عصر خویش و مولود به معرفت زیستن از عصر پارینه‌سنگی تا دیگر دشواری‌دوره‌هایی است که بشر، بودن را و چگونه‌بودن را مشق کرده است. سفال و سرامیک، اگر چه دست‌آفرینی برای بسامان‌تر زیستن‌ها بوده اما جمال‌اندیشی و جمال‌جویی انسان، خلعتی از هنر که برساخته از هم‌نشینی رنگ‌ها، نقش‌ها و روش‌هاست بر این پدیده پوشاند. نوپدیده‌ای که بیش از وجوه کاربری زیستی به آفریده‌ای هنری و نمادی از زیبایی شُهره‌گردید. در ایران ما؛ اقلیم‌ها و اقوام هر کدام با شناسه‌های خویش، به این صناعت هنری دست برده و دل سپرده‌اند که هر کدام به لحن و لهجه‌ای، نقش و نگاره و معنایی به نام خویش و به یادگار باقی گذارده‌اند. نیک آن که ایرانیان که پیوسته از افق شاعرانگی به جهان نگریده‌اند به غایت کوشیده‌اند که هر چه از سفال و سرامیک؛ ظرفی و ضرورتی ساخته‌اند، پیکره‌ای فریبا و هیمنه‌ای از هنر باشد. اکنون این هنر صنعت از یک سو مؤید تکامل صنعت در جوامع بشری و از دیگر سو به خلق وجوهی هنری منتهی شده است که به تحقیق بسیاری از دیگر هنرهای جهان تجسمی، مرهون این دست‌پرورده‌ی دیربازند.

به روزگار ما که جهان، آزرده از آلاینده‌ها و آلودگی‌هاست، سرامیک؛ این ساخته‌ی سلیم، نجات جهان از مکافات خواهد بود و خوش‌تر آن که به عنوان پرکاربردترین مواد در فن‌آوری‌های امروز و فردا، جایگاه و پایگاهی بی‌مانند دارد که دور از نظر نباید بماند. کهن‌هنر سفال و سرامیک روزِ امروز با زبان زمانه با ما در گفت‌گوست و به شور و شعور هنرمندان این روزگار چنان معاصرت یافته که فراخ‌فرستی یگانه برای خلق نقش‌مایه‌های هنر و تجلی بیان معاصری از کهن‌آفریده‌ای به شمار می‌رود.

یازدهمین دوسالانه‌ی سرامیک ایران اگر چه از پس چند سال سکوت و در صعب‌ایام کرونا برگزار می‌گردد اما به فرخندگی فعالیت فرهیخته‌هنرمندان و بسترسازی روزآمد متولیان و چشمداشت مخاطبان آگاه، رویدادی خواهد بود که صحنه به صحنه، آوردگاه آرمان‌ها و آرزوهای انسان این عصر باشد و در نوآوری‌ها و نوزایی‌های هنرمندان سرامیک، جهانی نو خلق گردد. فریضه‌ی تقدیر از هنرمندان همراه و متولیان همکار را با آرزوی سلامت و سعادت ارجمندان این دوره به جای می‌آورم.



The message of
Mojtaba Hosseini
Deputy for Art Affairs

Pottery and ceramic are the envoys of civilization and the proof of people who have turned soil to elixir by art and have bestowed concrete value to the water and fire of knowledge. The ancient objects that are testimonies to their contemporary humans and born out of the knowledge of living from the stone age to other difficult eras, when man has exercised being and how to be. Although pottery and ceramic were crafted for a better life, but the desire for perfectionism and excellence covered these phenomena with the cloak made out of the harmonious colors, patterns and craft. A novelty that more than the practical utility gained fame as an art creation and a symbol of beauty.

In Iran, each region and ethnic group engaged in this artistic endeavor according to its own identity, and with its specific tone and accent, has left behind a mark and a meaning in its name. And how well the Iranians, who have gazed at the world from a poetic perspective, have tried to make whatever vessels and necessity they produced out of ceramic an epitome of beauty and an objet d'art. Now this art craft is on one hand a testimony to the evolution of industry in human societies and have ended as artistic artefacts on the other, to which most visual arts are indebted.

In our days, when the world suffers from pollution and contaminations, this sound product will be the world saviour from disaster, and better still, it can act as the material most used in tod and tomorrow's technologies, it has a unique status, which must not be ignored.

The ancient art of pottery and ceramic converses with us in the modern language and has become so contemporary through the acumen and passion of the artists that it offers an unsurpassed opportunity for creation of artworks and offer a contemporary expression of ancient conceptions.

Although the 11th National Iranian Biennial of Ceramic is held after a few years of silence and in the difficult times of Corona Pandemic, but in the auspicious light of the artists' activities, the updated setting by the organizers and the expectations of aware audience, it will be an event, where each scene shall be the actualization of the ideals and wishes of this era's humanity, and where through the innovations and creations of the ceramic artists, a new world is created.

I extend my gratitude to the accompanying artists and my organizer colleagues and wish them health and prosperity.

یادداشت هادی مظفری مدیرکل هنرهای تجسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی



بهمن سال پیش بود. شاید سخت‌ترین روزهایی که خیال می‌کردم اگر این روزها و ماه‌ها به سلامتی بگذرد و بهار جوانه بزند، میرِ نوروزی راه می‌افتد توی بازار تجریش و ماهی قرمز می‌فروشد و سُنبل. توی همان روزهای سخت، هنرمندی با صدای خشدار، وسط حیاط موسسه هنرهای تجسمی، طرح‌نامه‌ای را به من داد برای برگزاری بینال سرامیک بعد از ۹ سال. فقط یک سوال پرسیدم؟ با این شرایط می‌شود برگزار کرد؟ گفت: بله! نه من و نه هیچ کس دیگر نمی‌دانست اصلاً بهار ۹۹ عید نمی‌آید. نوروز، توی خانه‌ها قرنطینه می‌شود. اولین عیدی است که سفر نخواهیم رفت و مردم شهر، سیزده فروردین را روی پشت بام خانه‌ها به در خواهند کرد و تا سال بعد، هر روز سخنگوی وزارت بهداشت می‌آید تا تعداد کشتگان روز قبل را اعلام کند. توی همه روزهای سخت، وسط تمام حیاط‌های دلگیر، بالاخره یک آدمی پیدا می‌شود که امیدش بیشتر از بقیه آدم‌ها باشد و وقتی همه بُریدند، او دوام بیاورد. امروز یازدهمین دوسالانه سرامیک ایران در نیاوران افتتاح شد، بدون حضور صدها نفر که جایشان در حیاط فرهنگسرا خالی بود و نگرانی از سلامتی‌شان نگذاشت صدای همه‌شان توی طبقات پیچد اما صدای خشدار همان مرد با تمام مشکلات گفت: "می‌توانیم" و وسط تمام این ماه‌ها مردانه دوام آورد، امروز هم در سرسرا پیچیده بود که می‌گفت: امروز، بلوغ یک رسانه بود. رسانه سرامیک ایران.

The message of
Hadi Mozafari
Director General of Visual Arts

It was February last year. Maybe the hardest days, and I thought that if we safely passed those days and months, and spring blossomed, the Nowrooz herald would walk the Tajrish market and would sell goldfish and hyacinth. In those difficult days, a hoarse voiced artist, in the middle of the Visual Arts Institute's yard gave a proposal for holding the Ceramic Biennial after 9 years. I just asked one question? Could we hold it under these conditions? "Yes" he said. Neither I nor anyone else knew that there would be no festivities at spring of 2020, and everybody would be quarantined at homes. This is the first holiday when I will not travel and the people will spend their 13th Day of the New year on the roofs of their homes, and until the next year, the spokesman of the Ministry of Health will come each day to announce the number of last day's fatalities. In these hard days and in the middle of the grey yards, a person whose hope is more than the others finally comes forward to resist while all have given up. Today the 11th National Iranian Biennial of Ceramic was inaugurated at Niavaran in the absence of hundreds whose place in the Cultural Center was empty and the concern for their health prevented their voices to echo in the floors; but the hoarse voice of the same man, with all the problems, said: "We can.". It endured heroically all these months, and now, it echoed in the hall saying: "This is the day of a media's maturity. The media of the Iranian Ceramic."

یادداشت هیربد همت‌آزاد دبیر یازدهمین دوسالانه ملی سرامیک ایران

The message of
Hirbod HematAzad
Secretary of the
11th National
Iranian Biennial
of Ceramic



The maturity of the Media of Ceramic.
We are thankful and appreciative of all the artists, who despite the hard economic conditions and the pandemic, became the pride of the ceramic art family in the field of visual arts with their brilliant participation and by the enhanced quality and quantity of their works. It can be firmly claimed that the column of this biennial was erected by young artists who answered the announcement. We believe that the achievements of this Biennial in its social and artistic performance, are not limited to those who found the opportunity to participate, and they belong to all the ceramist artist. The 11th National Iranian Biennial of Ceramic exhibited an extensive array of visual approached to ceramic art. The selection of the group of judges, who have different artistic inclinations in mind was in the context of this ideal.
The work in the exhibition were of considerable quality both in the expression of an idea and in displaying the different artistic approaches. This level of growth is worthy of praise. However, this created a greater challenge for the final selection of the works. Based on the biennial's perspective, the identity structures of ceramic media and the modern art contexts, and following an extensive discussion, the jury selected 3 works as the winners of the Biennial and 7 works as worthy of appreciation. Unfortunately, due to limitations imposed by the Corona Pandemic, it was not possible for Jacques Kaufmann, the famed international artist to attend the event and we had only to settle for his consultation through the virtual world.
While respecting the final decision of the judges, we believe that the selection of works and judgement in the field of art is not an absolute and perfect command, and that different variables may intervene in the selection. Finally, the honor of this event goes to artists, who display the maturity of ceramic media in the field of visual arts through their participation.

دوسالانه یازدهم ملی سرامیک ایران با همراهی مدیران و مسئولان دفتر تجسمی، شورای سیاست‌گذاری، دبیران محترم و با اتکا به هنرمندانی پرتوان، در شرایطی سخت و نامساعد با موفقیتی چشمگیر برگزار شد. شیوع بیماری کرونا در این سال که موجب تغییر شرایط زندگی و روابط انسان‌ها در تمام دنیا شد، پدیده‌ای تاریخ‌ساز برای قرن حاضر است. بدون شک، پیامدهای تاثیرات آن در آینده مدون خواهد شد، اما، ما به‌عنوان کسانی که این دوران سخت را تاب آوردیم، آیا می‌توانیم از نقش خود در جایگاهی که مسئول آن بودیم، دفاع کنیم؟ برگزاری به‌موقع این دوسالانه ثابت‌کرد که مسئولین و هنرمندان می‌توانند با مدیریت و همراهی صمیمانه به این امر دست‌یابند.

انجمن هنرمندان سفالگر برای گذار از فضایی سرد و بدون رمق، برگزاری دوسالانه یازدهم را پس از وقفه‌ای طولانی، با عزمی راسخ در دستور کار خود قرار داد. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای برگزاری این رویداد در این شرایط سخت، ایجاد شوق، انگیزه و امید به ادامه حضور برای اعضای انجمن و هنرمندان جوان بود، و خوشنودیم که با هیچ دلیلی حتی موجه در تاخیر یا عدم برگزاری آن، این هدف خدشه‌دار نشد.

دوسالانه یازدهم درونمایه «خودکاوی» را انتخاب نمود. این مضمون از دو منظر دارای اهمیت بود. نخست، خودکاوی در راستای هویت فردی و همچنین موقعیت فرهنگی، سیاسی و اجتماعی هنر، که یکی از الزامات هر هنرمند برای خلق اثری هم‌گام با زمانه‌ی خود است. براساس آمار اعضای انجمن هنرمندان سفالگر، میانگین سنی هنرمندان فعال در این شاخه هنری در میان‌سالی قرارداد. اغلب هنرمندان در این دوره‌ی سنی، با تفکر و خودکاوی پیرامون خود، می‌توانند به بلوغ در کارنامه هنری دست یابند. بنابراین در این دوسالانه بدون هیچ محدودیتی در موضوع اثر، صداقت و اصالت هنرمند در مواجهه با اکنون و استفاده از زبان رسانه‌ی سرامیک، مورد توجه قرارگرفت.

از منظر دیگر انتخاب این درونمایه، این نکته را در نظر داشت که، هنر سرامیک ایران با وجود پیشینه‌ای پرآوازه در جهان، در این دهه در جایگاهی جوان قرارگرفته، که به خودشناسی قابلیت‌های رسانه و تطبیق آن با هنر زمانه نیاز دارد. بنابراین یکی از مهم‌ترین اهداف این رویداد، خودکاوی در هنر سرامیک برای تثبیت قابلیت‌های آن در ایده‌پردازی و بیان مفاهیم بود، که با توجه به برآیند آثار می‌توان به وضوح به بالندگی آن نیز اشاره کرد.

یکی از دلایل برگزاری دوسالانه‌های تخصصی، پردازش و بازتعریف ساختارها در رسانه است. ازاین‌رو سیاست دوسالانه یازدهم، در استقبال از حضور رویکردهای متفاوت هنری شکل‌گرفت و از تک‌گویی و سرسپردگی به نهادهای غالب در هنر روز، دوری شد؛ زیرا معتقدیم هنر بدون تن‌دادن به تعاریف رسمیت یافته، بقای خود را تضمین کرده‌است. مفتخریم با همدلی امکان گردهم‌آوری حداکثری گروه‌های هنری فعال در این حوزه میسر شد. هرچند می‌دانیم که ممکن است چنین رویکردی از سوی افرادی که مدافع اصول معاصریت در هنر هستند، پذیرفته نباشد؛ اما با احترام به آرای متفاوت، این دوسالانه با وفاداری به یک هدف و آن هم استفاده صحیح از منطق و زبان سرامیک، به گسترش مرزهای رسانه سرامیک همت گمارد.

می‌توان به قطعیت اذعان داشت که ستون این دوسالانه توسط هنرمندان جوانی برافراشته شد که در بخش فراخوان شرکت نمودند. مطابق با تعریفی معتبر، دوسالانه‌ها قائم به دعوت از هنرمندان فعال در دوسال اخیر می‌باشند؛ اما با توجه به مقتضیات این زمان ما، ترجیح داده شد این مصداق را با معرفی هنرمندان جوان، در دوسالانه‌های آینده دنبال نماییم.

دوسالانه یازدهم با حضور پرنرنگ و موفق هنرمندانی جوان، نویدبخشی است برای آغاز دوره‌ای تعیین‌کننده در هنر تجسمی ایران؛ آن‌هم از دریچه‌ی رسانه‌ی سرامیک.

As a prelude to this text, I would like first to congratulate the organizers of the Iranian Contemporary Ceramics Biennial, which, despite the health situation related to Covid 19 which has been raging for many months, and with the uncertainties associated with it, have had the courage and determination to set up this Biennale. The general conditions, for the realization of the exhibition as for the visits are difficult, but the choice of the organizers to make this exhibition at all costs, testifies to a remarkable commitment, in the service of Iranian ceramics and its promotion.

I warmly thank the organizers and their Authorities for the invitation extended to me to participate in the jury for awards. This allowed me, once again, to understand the reality of contemporary ceramic creation in Iran.

Obviously, it is regrettable for me to have had to evaluate works only by the means of images, whereas it would be necessary, to do them justice, to be able to appreciate them live, in their optical and sensory qualities, and in their exhibition space. Nonetheless, my practice as a teacher and juries allowed me to contextualize the works presented, and to get a self-representation, which, even not in the best conditions, has allowed me to make choices.

As part of a competition jury designed to define the 3 most relevant works, I gave to myself the following criteria:

- o The contribution of the work in the ceramic field to which it belongs, whether it is a work rather referring to the traditional world, or to a contemporary expression, and whatever the ceramic territory approached: functional, sculptural, or installation.
- o Coherence between the qualities of the work and the purpose developed.
- o And finally, a more subjective criterion! That of my very personal interest in the work presented, whatever its category.

It would have been consistent, in my eyes, and for other occasions for the jury, to have the opportunity to deliberate, upstream of its work, in order to collectively define its own evaluation criteria, which would thus be shared and used by all the members .

It would certainly have been possible, in the case of a jury in attendance, to operate in this way, and, subsequently, to deliberate in the presence of the works, so that the result would not only that resulting from mathematics – the number of votes obtained for each works – but by a vote after discussion, this discussion between members of the jury representing the possibility, for each of the experts, to affirm in one hand its position, but also, by listening to the arguments exchanged, to modify if necessary his perception, because enriched by the gaze of the other. In my opinion, this is what makes a jury session interesting, and more particularly an international jury, where different perspectives can meet, in search of a possible consensus. Unfortunately, here too, the Covid did not allow this meeting, given the difficulty that an evaluation by interposed screen would have represented, not to mention the simultaneous translation required, for hours.

On the exhibition as such, I identified 6 major categories of work.

- o Those who highlight their nature of installation, where the space is paramount.
- o Those of sculptural tendency, figurative or not, in a palette ranging from mythology to current political and cultural questions
- o Those who refer to one of the great paths of ceramics, and particularly in Iran, in connection with the murals
- o Work that highlights the body, its illnesses, oppressions, or even gender issues
- o And objects, between function and fiction

A general feeling emerges from this exhibition, beyond the technical qualities or the fields represented. The artists translate their perceptions of the world according to their personality and their identity. This world is that of a globally difficult context – as it is easy to understand –, in its current tensions, at the individual level first, at the collective level of the cultural context, and finally at the global level. This world, as it is, is anxiety-provoking, in its questions and in its current wanderings. The Biennale bears witness to this

It remains for me to wish the best for this exhibition and to the Association which implemented it, and also to wish the best to the artists presented, who are going through these times of difficulties, might they be economic, health, or others, with courage and a determination that delight me deeply.

With kind regards

Jacques Kaufmann

درونمایه دوسالانه: خودکاوی

اصالت اثر هنری در گرو صداقت هنرمند در درک و شناختی عمیق از خود و دنیای پیرامون خود است. هنرمند با اندیشیدن و کاوش در زندگی زیسته، اتفاقات تاریخی و اجتماعی زمانه خود و درونی کردن این دریافت‌ها، قادر به خلق اثری است که فارغ از سبک‌های دوره‌ای، ماندگار و پویاست.

هم راستا با تجربه فاصله‌گذاری اجتماعی در دوران اخیر و وسعت ارتباط مجازی با دنیای بیرون، پرداختن به «خود» قابل تأمل است. شناخت و آگاهی از خود، متأثر از مسایل بیرونی است. از این رو فهم سیال، زمینه‌مند شدن و تعامل در هنر، امری است برخاسته از شناخت واقعی درون. بدون توجه به جوهر خود رسانه و شناخت ابزارهای آن، حرکت در فضای بینابینی و خارج شدن از محدوده مشخص رسانه، امکان‌پذیر نیست. از این جهت رسانه‌ی سرامیک به واسطه مقتضیات کنونی خود، از هنرمندان دعوت می‌کند، بدون توجه به الصاق‌های کلیشه‌ای مورد تأیید نهادها در هنر، تنها با اتکا به زبان و منطق سرامیک، دریچه‌ای را از درون به دنیای بیرون باز نمایند. دوسالانه یازدهم سرامیک، معطوف شدن به خود و کاویدن درونیات را گامی در جهت بلوغ و هم‌راستا با اندیشه‌ی انتقادی، در زمانه‌ی خود می‌داند.

رویکرد دوسالانه

- تمرکز بر بیان شخصی هنرمند با توجه به دلالت‌های مکانی، زمانی و اجتماعی زمان خود.
- گسترش مرزهای رسانه‌ی سرامیک با دلالت بر دیالکتیک فن و هنر.

اهداف دوسالانه

- پرداختن به درون و کشف روابط بیرونی از مؤلفه‌های مورد توجه در این دوسالانه است. از این رو توجه به زمینه‌های موثر در شکل‌گیری اثر، مانند مکان‌ویژگی، زمان‌ویژگی و مخاطب محور بودن دارای اهمیت است.
- سرامیک دارای گستره تکنیکی وسیعی است که می‌تواند به‌عنوان ابزاری کارآمد در خدمت بیان ایده هنرمند قرار گیرد. دیگر رویکرد این رویداد، گسترش مرزها و زبان بصری سرامیک، فراتر از یک فن و به مثابه یک رسانه در هنر تجسمی است.

The Biennial's Theme: Self-analysis

The authenticity of the work of art is contingent upon the artist's integrity in perceiving and knowing oneself and the world around. By contemplating and exploring one's lived life, one's era's sociohistorical events, and internalizing these perceptions, the artist will be able to create a work which, notwithstanding each era's styles, will be dynamic and lasting.

Concerning the recent experience of social-distancing

and the breadth of virtual connection with the outside world, studying "the self" becomes intellectually stimulating more than ever. Knowing oneself and being conscious of one's interiority is affected by external issues. Hence, fluid understanding, contextualizing, and interaction in art arises from true knowledge of the self. Without considering the medium's essence and knowing its tools, breaking out of the medium's distinct limits and moving through the in-between space would be impossible. Thus, artists are urged to open a window from within to the outside world by relying only upon ceramic's language and logic as a medium, depending on its current requirements, notwithstanding the clichéd labels in art approved by institutions. Turning to the self and exploring what lies within is regarded by the 11th National Ceramic Biennial to be a step towards maturity along with critical thinking in the current epoch.

The Biennial's Approach

- Focusing on the artist's personal expression concerning the local, temporal, and social implications of his/her times.
- Extending the boundaries of the medium of ceramic through conveying the dialectic of art and technique.

The Biennial's Objectives

- Working through what lies within and discovering external connections are prominent aspects in the Biennial. Thus, attending to influential contexts in the formation of the artwork, site-specificity, time-specificity, and audience-orientedness are of special significance.
- Ceramic enjoys an extensive technical scope which, as an effective tool, can serve the expression of the artist's idea. Therefore, the other objective of the Biennial is stretching the boundaries and the visual language of ceramic as a medium in visual arts beyond a mere technique.

شورای سیاستگذاری Policy Council

منیژه آرمین



Manijeh Armin

متولد ۱۳۲۴ - تهران
فارغ التحصیل کارشناسی روانشناسی و مجسمه سازی از دانشگاه تهران
کارشناسی ارشد رشته مشاوره تحصیلی از دانشگاه تربیت معلم دارای درجه یک هنری در شاخه سفال و سرامیک از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
دبیر و داور در دوره های مختلف هنری و ادبی از جمله: دوسالانه نهم سفال و سرامیک و جایزه ادبی جلال آل احمد برگزیده و تقدیر شده در نمایشگاه های متعدد از جمله نشان عالی تجسمی فجر و جایزه استاد فروزانفر
دارای تألیفات متعدد از جمله ۱۵ کتاب چاپ شده در زمینه ادبیات داستانی

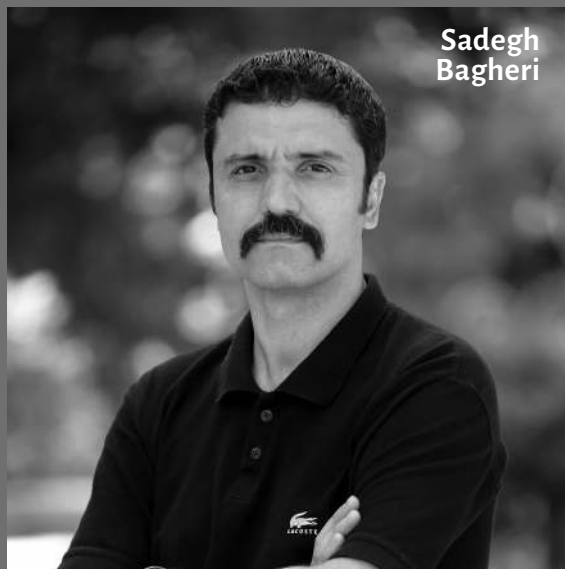
کوروش آریش



Kouros Arish

متولد ۱۳۵۳ - اردبیل
کارشناسی رشته مهندسی مکانیک - طراحی جامدات از دانشگاه تبریز و کارشناسی ارشد رشته منطق از دانشگاه علامه طباطبائی عضو آکادمی بین المللی سرامیک
عضو شورای عالی خانه هنرمندان ایران
بازرس دور ششم و هفتم و عضو هیأت مدیره دور هشتم انجمن هنرمندان سفالگرایران
برگزاری سه نمایشگاه انفرادی درگالری اعتماد، تهران
شرکت در بیش از ۳۰ نمایشگاه گروهی، جشنواره ها و دوسالانه ها از جمله دهمین دوسالانه سفال و سرامیک معاصر ایران و چهارمین دوسالانه فاین کرافت فرانسه

صادق باقری



Sadegh Bagheri

متولد ۱۳۵۹ - تهران
کارشناس ارشد صنایع دستی
نشان درجه دو در رشته سفال و سرامیک از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
تدریس دروس سرامیک در دانشگاه الزهرا، دانشگاه سوره، دانشگاه علمی کاربردی و انجمن هنرمندان سفالگر
۴ دوره عضو هیئت مدیره انجمن هنرمندان سفالگر ایران
عضو هیأت داوران اولین جشنواره دانشجویی استان (سرامیک هنری)
برگزاری یک نمایشگاه انفرادی و شرکت در بیش از ۲۰ نمایشگاه گروهی، سمپوزیوم، جشنواره ها و دوسالانه ها

هادی مظفری



Hadi
Mozafari

مدیرکل هنرهای تجسمی
و رئیس شورای سیاست‌گذاری

فرزاد فرجی



Farzad
Faraji

متولد ۱۳۵۵ - رشت
کارشناسی ارشد صنایع دستی - دانشگاه علم و هنر
شروع فعالیت در زمینه سرامیک هنری از سال ۱۳۷۸ تا کنون
مدیرعامل و رئیس هیأت مدیره انجمن هنرمندان سفالگر ایران
۱۳۹۶ تا ۱۳۹۸
عضو شورای سیاست‌گذاری، هیات داوران و دبیر کارگاه‌های آموزشی
دهمین دوسالانه ملی سرامیک ایران
عضو شورای عالی خانه هنرمندان ایران ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۹
شرکت در هشتمین، نهمین و دهمین دوسالانه ملی سرامیک
ایران و هنرمند برگزیده هشتمین و نهمین دوسالانه ملی سرامیک
ایران

رجحانه حسینی



Rojhaneh
Hosseini

متولد ۱۳۵۱ - تهران
کارشناسی صنایع دستی گرایش سفال و کارشناسی ارشد نقاشی
عضو آکادمی بین‌المللی سرامیک
کیوریتور نمایشگاه فاین کرافت فرانسه - بخش ایران ۱۳۹۸
کیوریتور نمایشگاه انبساط بخش تحول انگاره ۱۳۹۷
عضو شورای سیاست‌گذاری و کیوریتور نمایشگاه‌های سرامیک
بنیان (شکستنی ۱۳۹۴ - مرز ۱۳۹۶)

دبیران Secretories

آرزو حاجی علی محمد زرگر



Arezoo
Haji Alimohammad Zargar

متولد ۱۳۶۰ - تهران
کارشناسی ارشد رشته صنایع دستی، دانشگاه هنر تهران
کارشناسی ارشد رشته پالئونتولوژی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم
و تحقیقات تهران
نایب رئیس و دبیر پژوهش هیئت مدیره دوره هفتم انجمن
هنرمندان سفالگر ایران
حضور در چندین نمایشگاه و سمپوزیوم بین المللی و داخلی

دبیر پژوهش

مرضیه تقی خانی



Marzieh
Taghikhani

متولد ۱۳۵۸ - کرج
دیپلم علوم ریاضی
عضو انجمن هنرمندان سفالگر ایران
دبیر کمیته پژوهش دور ششم انجمن هنرمندان سفالگر ایران
نایب رئیس و دبیر پژوهش هیات مدیره هشتم انجمن هنرمندان
سفالگر ایران
شرکت در بیش از ۲۰ نمایشگاه گروهی و دوسالانه ها

دبیر ارتباطات

کوروش آرایش

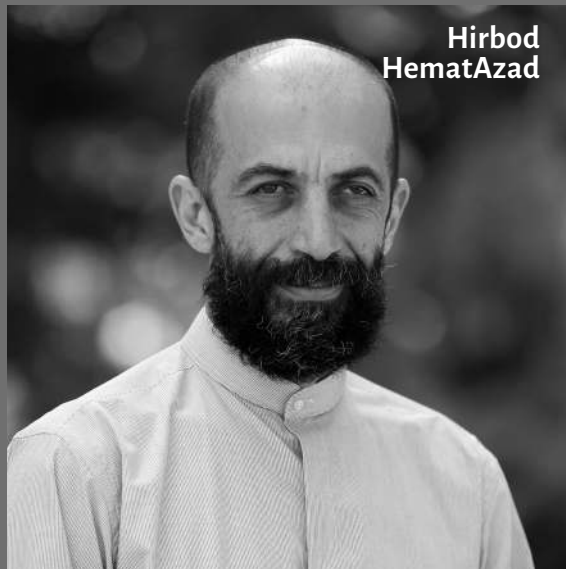


Kourosh
Arish

متولد ۱۳۵۳ - اردبیل
کارشناسی رشته مهندسی مکانیک - طراحی جامدات از دانشگاه
تبریز و کارشناسی ارشد رشته منطق از دانشگاه علامه طباطبائی
عضو آکادمی بین المللی سرامیک
عضو شورای عالی خانه هنرمندان ایران
بازرس دور ششم و هفتم و عضو هیأت مدیره دور هشتم انجمن
هنرمندان سفالگر ایران
برگزاری سه نمایشگاه انفرادی درگالری اعتماد، تهران
شرکت در بیش از ۳۰ نمایشگاه گروهی، جشنواره ها و دوسالانه ها
از جمله دهمین دوسالانه سفال و سرامیک معاصر ایران و
چهارمین دوسالانه فاین کرافت فرانسه

دبیر اجرایی

هیربد همت‌آزاد



متولد ۱۳۵۳ - تهران

کارشناسی رشته مهندسی ماشین آلات از دانشگاه تبریز

عضو انجمن بین‌المللی سرامیک

عضو شورای سیاست‌گذاری و دبیر اجرایی دهمین دوسالانه سفال

وسرامیک معاصر ایران

مدیرعامل و رییس هیأت مدیره دوره‌ششم انجمن هنرمندان

سفالگر

عضو شورای سیاست‌گذاری نمایشگاه‌های سرامیک بنیان

شکستنی و مرز

کیوریتور نمایشگاه‌های امریبیان ناپذیر و فراجهمش ۲

مدیر اجرایی گالری ابد

حضور در چندین نمایشگاه گروهی

دبیر دوسالانه

داوران Jury

بهزاد اژدری



Behzad
Ajdari

متولد ۱۳۴۸ - اهواز

کارشناسی رشته بیولوژی سلولی و مولکولی از دانشگاه تهران و دارای مدرک درجه یک هنری از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
مدیر عامل انجمن هنرمندان سفالگر از دور دوم تا ششم
دبیر دهمین دوسالانه ملی سفال معاصر ایران
عضو انجمن هنری Art Axis آمریکا و آکادمی بین المللی سرامیک IAC
شرکت در دوسالانه ها و نمایشگاه ها گروهی و انفرادی داخلی و بین المللی
دارای نشان عالی هنر یونسکو و WCC برای سه دوره متوالی

عضو شورای انتخاب آثار و شورای داوری

نفیسه خلیج



Nafiseh
Khalaj

متولد ۱۳۵۵ - کرج

فارغ التحصیل رشته گرافیک از هنرستان
فارغ التحصیل صنایع دستی از دانشگاه هنر تهران ۱۳۷۹
عضو آکادمی بین المللی سرامیک
داور سومین جشنواره هنرهای تجسمی فجر ۱۳۹۰
برنده دهمین دوسالانه سرامیک ایران ۱۳۹۰
برنده جایزه دوم بخش طراحی سرامیک دهمین دوسالانه سرامیک ایران ۱۳۹۰
برگزاری سه نمایشگاه انفرادی
شرکت در بیش از ۳۰ نمایشگاه گروهی

عضو شورای انتخاب آثار

مجید ضیائی



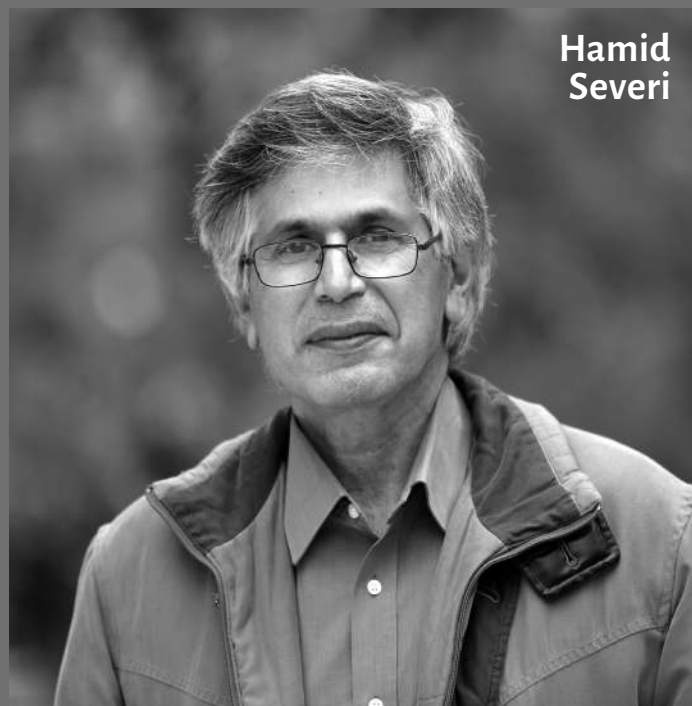
Majid
Ziaee

متولد ۱۳۶۱ - مشهد

دکترای پژوهش هنر از دانشکده هنر دانشگاه شاهد ۱۳۹۷
عضو هیات علمی دانشگاه هنر اسلامی تبریز؛ معاون دانشکده هنرهای صناعی
عضو گروه سرامیک چارخشت؛
سرپرستی چندین پروژه کوره-مجسمه و سرامیک محیطی
کیوریتور بخش نگارن درنمایشگاه انبساط
برگزیده در بخش حجم و چیدمان و تقدیرشده در بخش تکنیک‌های ویژه
در دهمین دوسالانه سرامیک معاصر ایران
جایزه ویژه هیات داوران از نهمین دوسالانه سرامیک معاصر ایران

عضو شورای انتخاب آثار و شورای داوری

حمید سوری



Hamid
Severi

متولد ۱۳۳۷ - ساری

فارغ التحصیل تاریخ هنر از دانشگاه سانتا باربارا کالیفرنیا
معاونت آموزشی دانشجویی دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد
نوشتن مقالات، نمایشگاه گردانی چند نمایشگاه در ایران، یونان، هند و آمریکا
دبیری چندین همایش و داوری در چند دوسالانه و مسابقه هنری
سخنرانی در مراکز علمی و هنری
سخنرانی در دانشگاه‌های آکسفورد، مینه سوتا و جواهر نعل نهرو
استاد برجسته مهمان ۲۰۱۱ دانشگاه اتاوا

عضو شورای داوری

داوران Jury

مجتبی قربانی شاه کوچکی



Mojtaba
Ghorbani Shah Koochaki

متولد ۱۳۶۱ - اصفهان
دکتری پژوهش هنر دانشگاه تربیت مدرس تهران
عضو هیئت مدیره هفتم انجمن هنرمندان سفالگر و دبیر کمیته آموزش
دبیر دوسالانه دانشجویی سرامیک دستان
برگزاری نمایشگاه انفرادی سرامیک کیوترخانه گالری هفت ثمر ۱۳۸۱
کیورتور نمایشگاه‌های سرامیک قاصدک و سازواری با هنرجویان ۹۴ و ۹۷
شرکت در نمایشگاه‌ها، دو سالانه‌ها و جشنواره‌های داخلی و خارجی

عضو شورای انتخاب آثار

بیبا فیاضی آزاد



Bita
Fayazi Azad

متولد ۱۳۴۱ - تهران
حضور در نمایشگاه‌های بین‌المللی کپنهاگ، لندن، آلمان، بلژیک، پاریس و برلین
حضور در پنجاه و یکمین دوسالانه بین‌المللی ونیز
مدعو نهمین دوسالانه بین‌المللی سرامیک گیونجی، کره جنوبی
عضو هیأت داوری هشتمین دوسالانه سفال و سرامیک معاصر ایران
حضور و دبیری چندین پروژه مشترک هنری در ایران
مؤلف کتاب‌های Four Years Four project و Iranomutormorphosis.net
برنده یکی از سه جایزه ویژه ششمین دوسالانه سرامیک معاصر ایران

عضو شورای انتخاب آثار

ژاک کافمن



Jacques
Kaufmann

متولد ۱۹۵۴ - کازابلانکا

رئیس آکادمی بین‌المللی سرامیک از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۸
عضو انجمن نقاشان، پیکره‌سازان، و معماران سوئیس Visarte
برگزاری بیش از ۲۰ نمایشگاه انفرادی در سطح بین‌الملل
برنده جایزه پیکره‌سازی دوسالانه هنرمندان سفالگر سوئیس، وینترتور ۱۹۸۳
برنده جایزه بزرگ نخستین دوسالانه سرامیک سارگمین ۱۹۹۳
برنده جایزه نخست چهارمین دوسالانه بین‌المللی کروژ ۱۹۹۳

عضو شورای داوری

محمود محرومی



Mahomood
Mahroomi

متولد ۱۳۵۴ سبزوار

کارشناسی مجسمه‌سازی از دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران
برگزیده ششمین دوسالانه مجسمه‌سازی تهران
عضو فهرست نهایی جایزه مجیک آو پرشیا ۲۰۱۳
عضو شورای سیاست‌گذاری و انتخاب هفتمین دوسالانه مجسمه‌سازی تهران
عضو شورای سیاست‌گذاری و دبیر اجرایی هشتمین دوسالانه مجسمه‌سازی تهران

عضو شورای انتخاب آثار

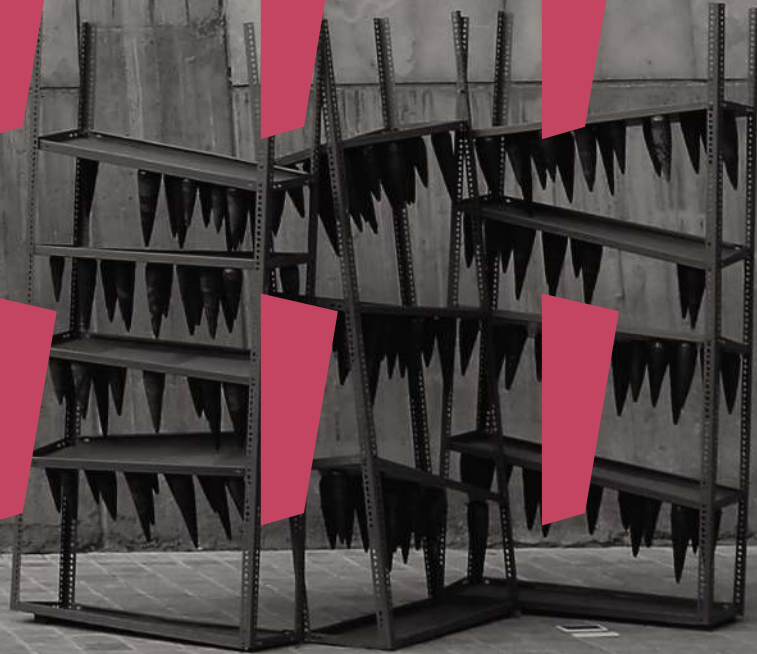
بیانیه داوران یازدهمین دوسالانه ملی سرامیک ایران

در حالی که جهان و ایران یکی از تاریک‌ترین و بحرانی‌ترین دوران را در عرصه‌های اپیدمی، سیاست و اقتصاد می‌گذراند و شرایط آسانی برای خلق اثر هنری فراهم نیست، مایه امید و خوش حالی است که شاهد خلق و ارائه آثاری با رویکردهای متنوع، تکنیک‌های مختلف، زیبایی‌شناسی متکثر و با حساسیت‌های موضوعی گوناگونی بوده‌ایم. خلق آثار راه یافته به دوسالانه، حاکی از صرف انرژی، هزینه و وقت بسیار، خلاقیت و نوآوری در عرصه سرامیک در چنین زمان‌های، ستایش و قدردانی هیأت داوران را برانگیخت و به خاطر تعدد آثار ارزشمند، کار داوری را بسیار سخت کرد. باید به این نکته بنیادین اذعان کرد که داوری آثار رقابتی عموماً محصول معدل نگرش‌های داوران، شرایط دوران، نیازها و دغدغه‌های امروز بوده و برای رسیدن به یک توافق، نیازمند مصالحه ارزش‌های متفاوت است و هیچگاه نمی‌تواند مطلق، قطعی و عاری از هرگونه قضاوت‌های سوبژکتیو باشد. با توجه به تنوع رویکردهای آثار، در حال گذار بودن سرامیک ایران از تعریفی سنتی به عرصه‌ای گسترش یافته، کمبود زیرساخت‌های متناسب در آموزش و نهادهای نمایش، فقدان فضاهایی برای تأمل و گفت‌وگوهای سازنده و به صورتی خاص برای دوسالانه‌ای که تم خودکاوی را برگزیده و آن را هم در عرصه فردی و اجتماعی و هم در عرصه رسانه سرامیک طرح کرده است، داوری را به صورت ویژه‌ای دشوار کرد. هیأت داوران با در نظر گرفتن مشکلات فوق و با احترام و قدردانی از مشارکت تمامی هنرمندان شرکت کننده و دست‌اندرکاران دوسالانه، نتایج داوری برگرفته از شور و بحث فراوان خود را اعلام نمود.

هیأت داوران بر این نکته مهم و کلیدی اشاره می‌ورزد که این دوسالانه توانسته است ضمن حفظ هویت رسانه سرامیک در رابطه با ارزش‌ها، قواعد ساختاری و معنایی خود، از سایر امکانات رسانه‌ای دیگر نیز بهرمنند گردد. در این رویداد استفاده همزمان از مواد مختلف، تکنیک‌های متنوع، زیبایی‌شناسی مناسب در جهت خودکاوی، تعریف گسترده از سرامیک، همراهی آن با رسانه عکس، مجسمه، موسیقی و همچنین توجه به حرکت و مشارکت طلبیدن مخاطب را می‌توان در برخی از آثار، مشاهده کرد.



۶۷th National Ceramics Symposium
۱۳۹۹ یازدهمین دوسالانه ملی سرامیک ایران



یازدهمین دوسالانه ملی سرامیک ایران
1399
National Ceramic Biennial of Iran
2020



حسام الدين آرمان
Hessameddin Arman

Untiteld

بدون عنوان





خارج از مسابقه
Out of Competition

منیژه آرمین
Manijeh Armin

باغ بهشت

باغ بهشت مفهومی است آرمانی از آرزوهای بشری، شاید هم باغ خیال یا باغ آرزو و این روایت من است و طبعاً بیننده می‌تواند با ذهنیت خود روایات دیگری بخواند.

The Garden of Eden

The Garden of Eden is an utopic concept of human ideals or maybe even the Garden of Dreams or the Garden of Wishes. This is my interpretation, the spectator may of course draw their own conclusion.



Deviation

انحراف

خارج از مسابقه
Out of Competition

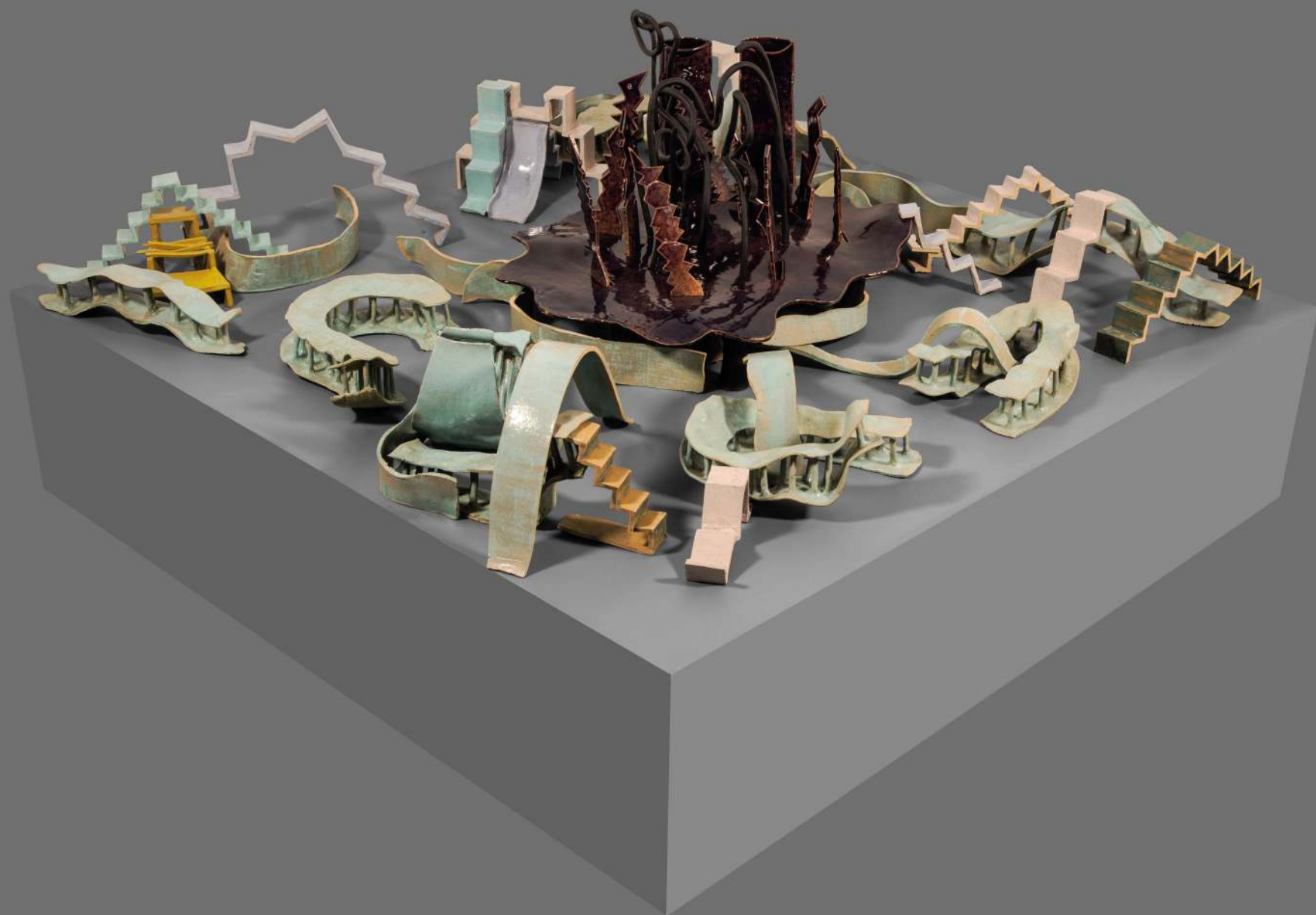
کوروش آریش
Kourosh Arish



$\alpha = 23.4^\circ$

شمیم آقامینیها
Shamim Agha Aminiha





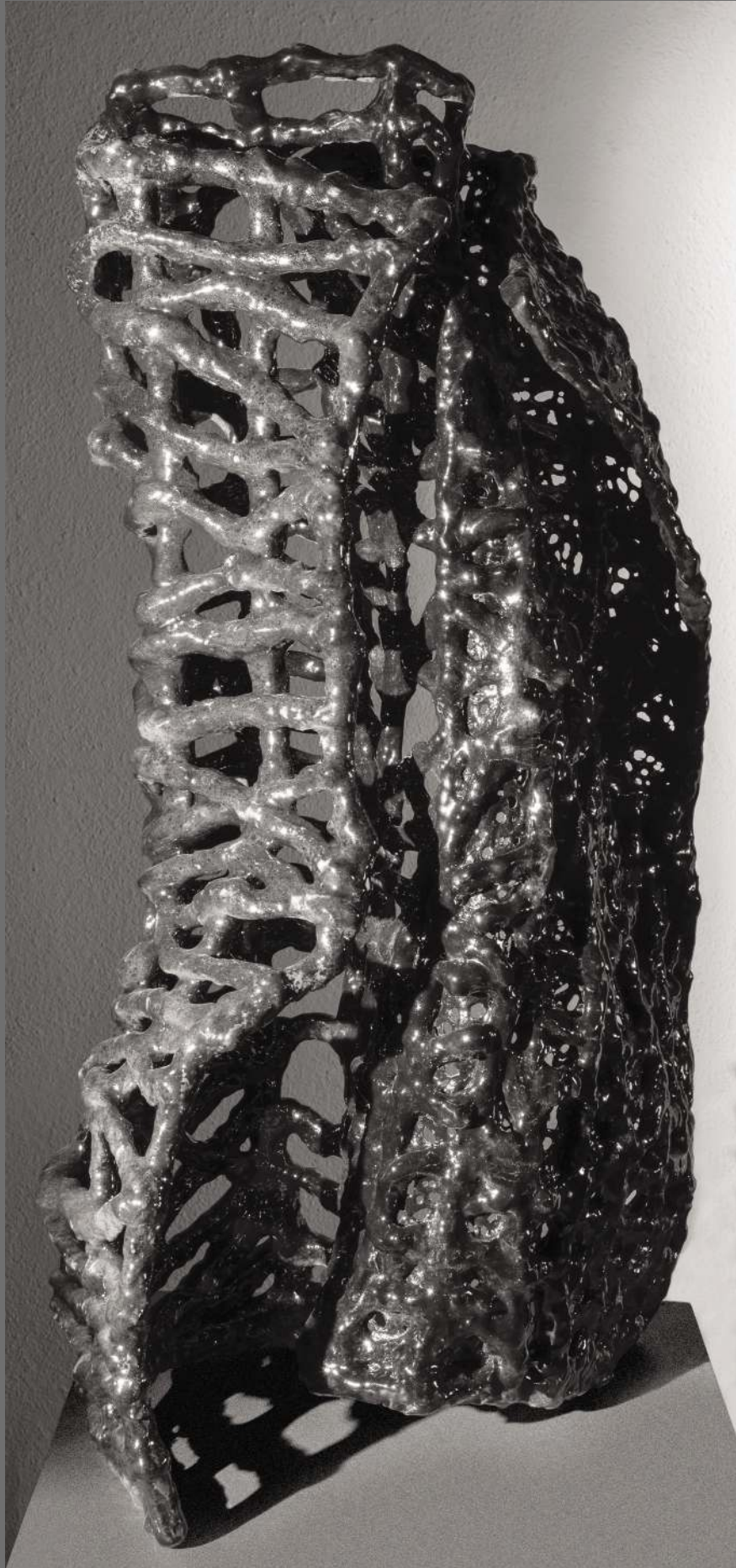
آیا مرا احساس می‌کنی؟

در بین حواس پنجگانه هنوز بویایی، چشایی و لامسه برای انتقال به ماده نیاز دارند و از مسافت دور احساس نمی‌شوند. اما از پس روزهای قرنطینه، وصال، شیرین‌تر از همیشه انتظارمان را می‌کشد.

Do you feel me?

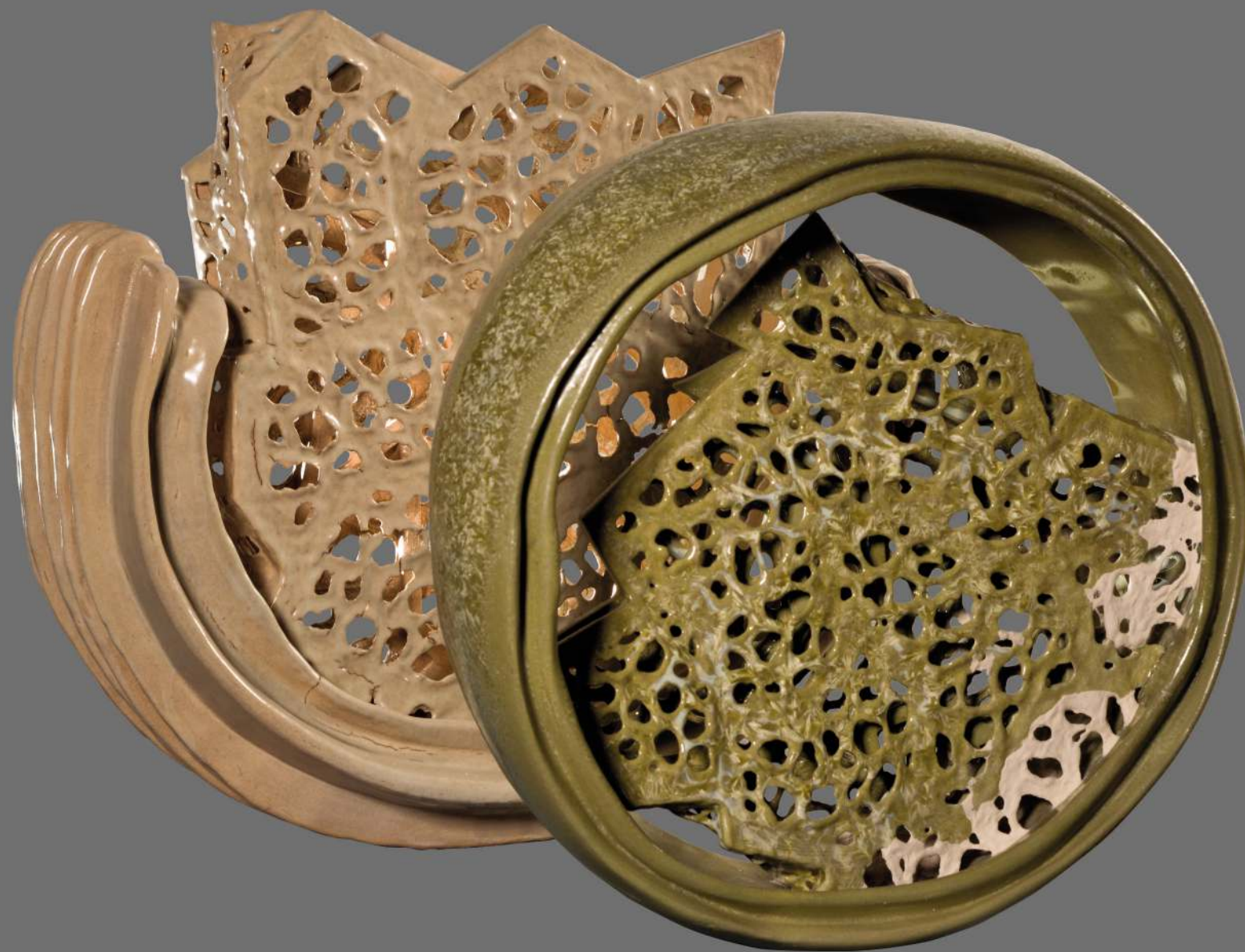
Among the five senses, smell, taste and touch still need an object to convey which cannot be felt from a distance. But, beyond the quarantine days, reunion awaits us sweeter than ever.

سکینه آقانسب
Sekineh Agha Nassab



Woven of dreams

بافته خیال



Restoration

ترميم





هویت غایب

انسان‌های بی‌وجودی که مسخ خواهش‌های آشکار و پنهان دنیای اطراف خود هستند. انسان‌هایی که در جدائی ذاتی‌شان با یکدیگر و با جهان خود به هیأتی سنگ‌وار بدل شده‌اند و محکوم به وانهادگی ابدی در غرقاب راه‌های بی‌نشان جهان گرفتار آمده‌اند.

Absent identity

Futile humans captive of their blatant or hidden desires of their surroundings. In their natural distance from each other and their world, they have turned into a rock like entity condemned to an eternal abandon in the unknown paths of the world.

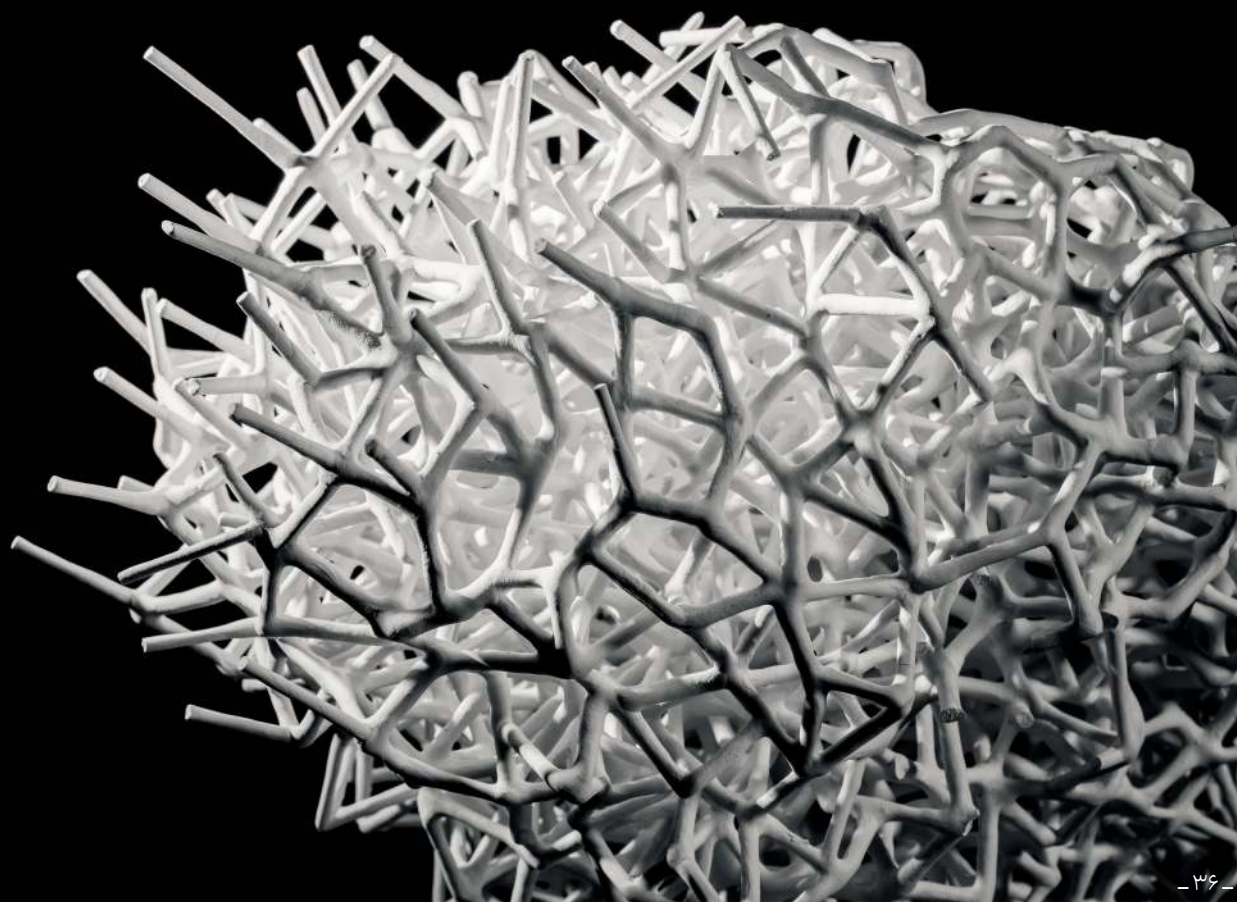
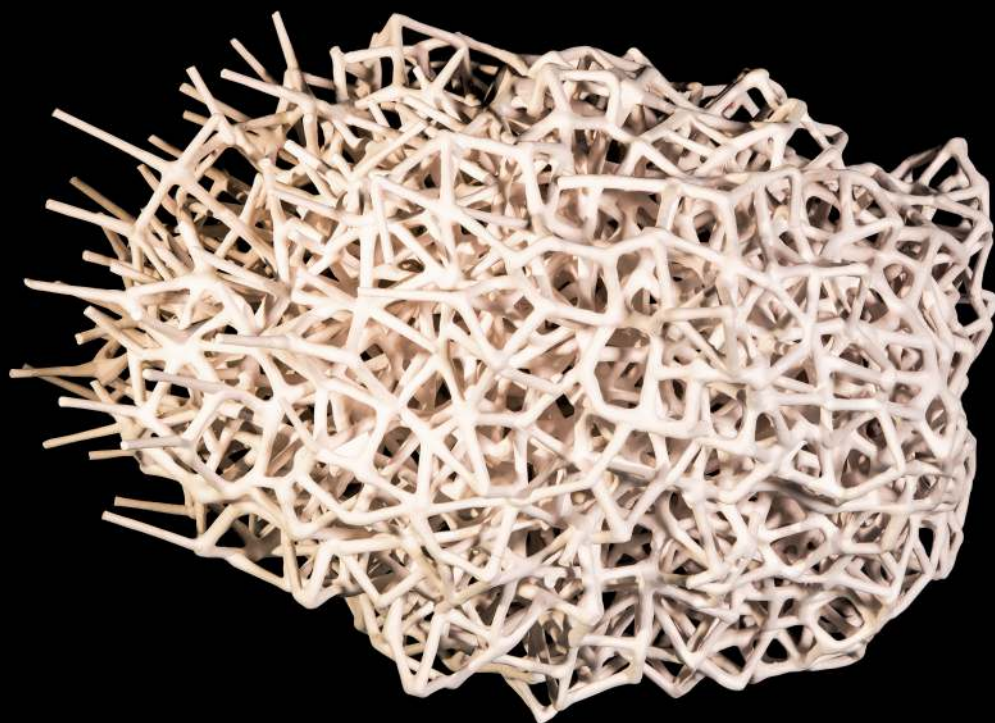


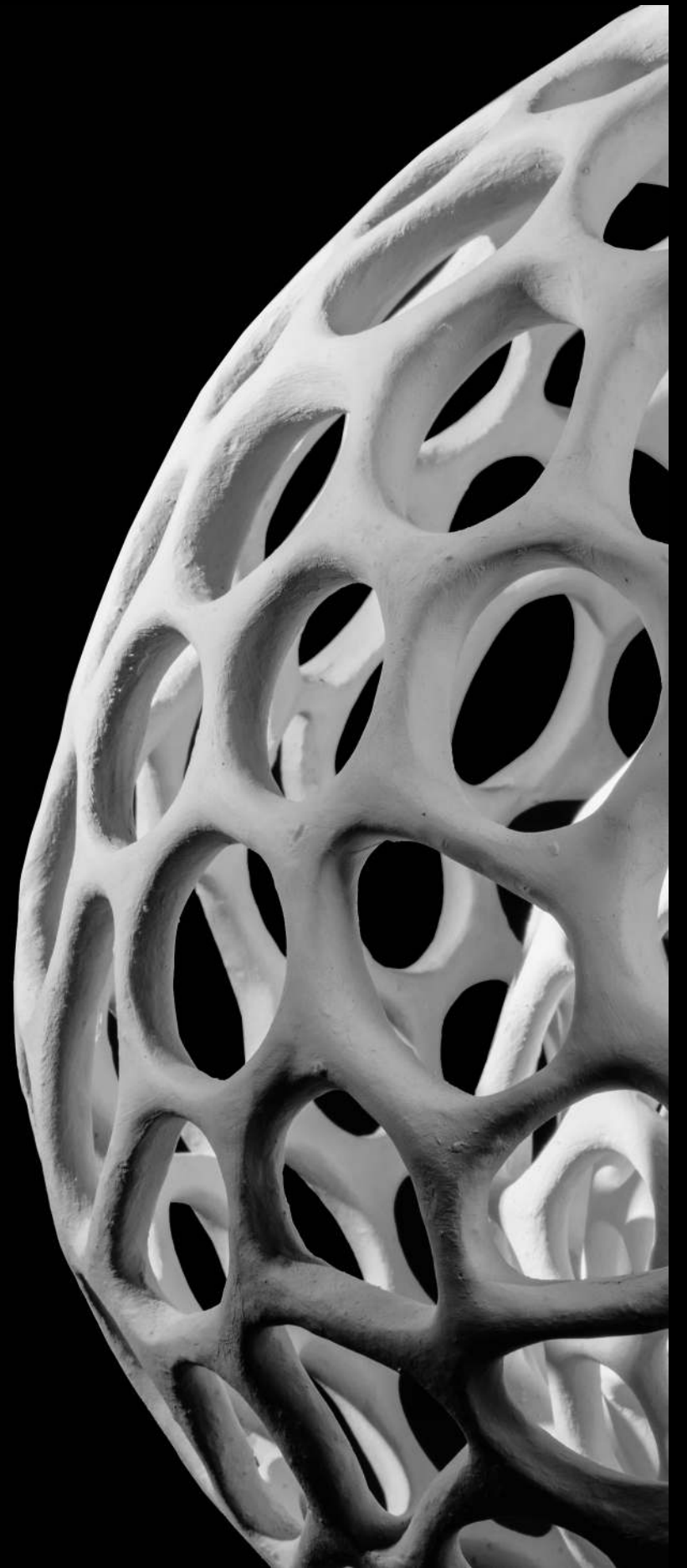
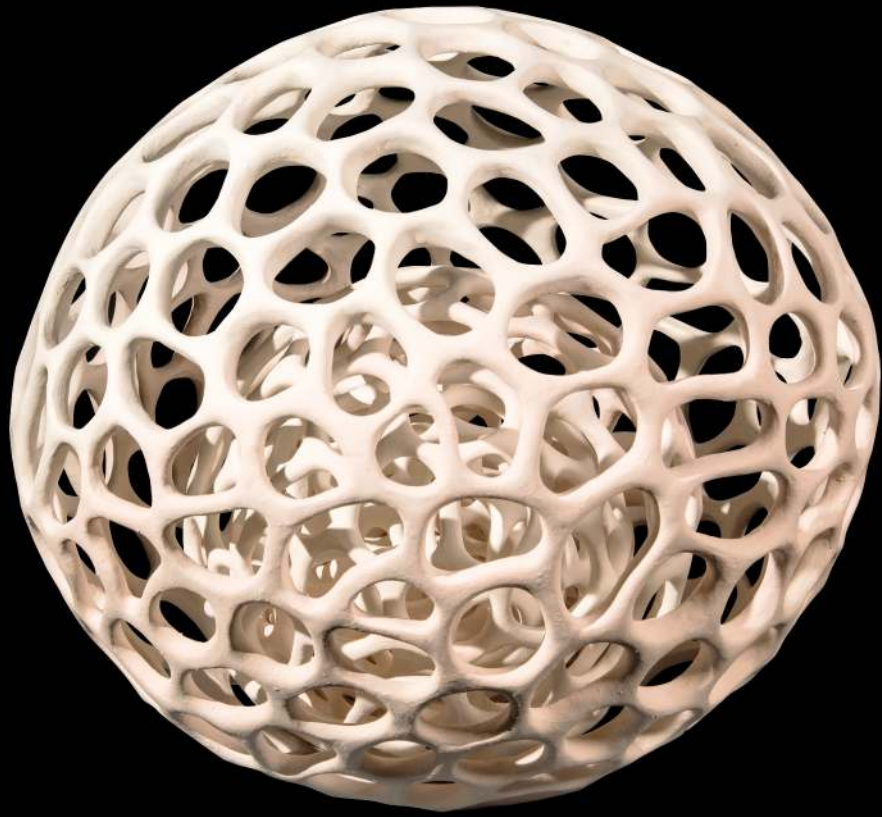


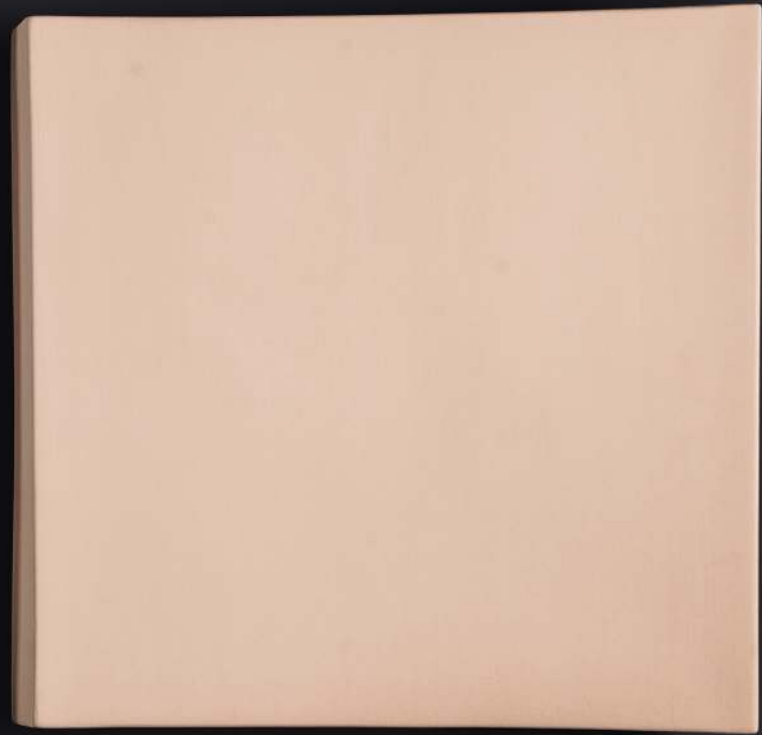
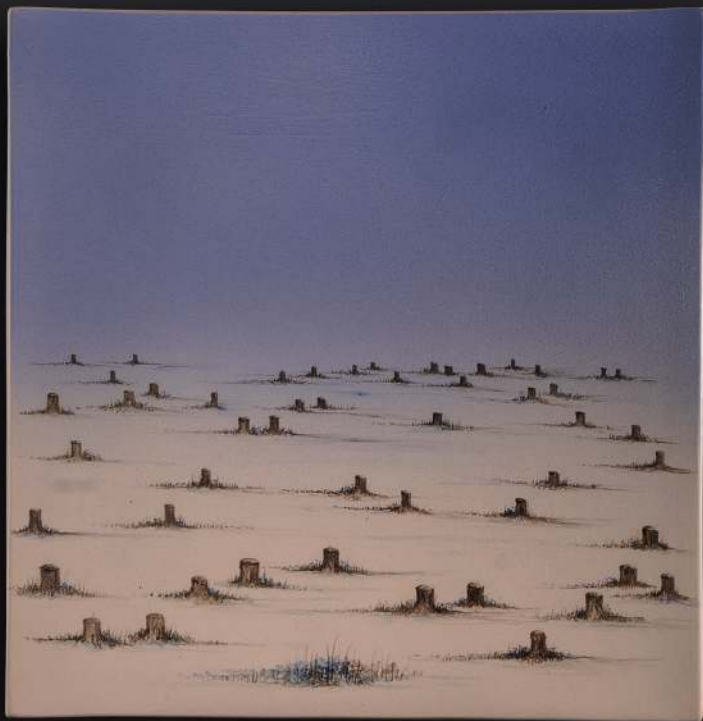
تینا ابراهیمی
Tina Ebrahimi

Interwoven

درهم تنیدگی







Four Seasons

چهار فصل



خودآشیانگی

تجربه‌ی اولیه‌ی ما تجربه‌ای از یک تمامیت، یکسانی با محیط و یک آشیانه است. آشیانه تنها یک مکان نیست. آشیانه گرفتن بزرگسال خودآگاه در وضعیت جنینی ناخودآگاه بازتعریفی از نوعی بودن است و در توده‌ی شکننده، مروری به رابطه‌ی اولیه‌ی مادر و فرزند از درون به برون است. این مفهوم شکنندگی زندگی است.

Self Nest

Our primal experience is the experience of a completeness and union with the environment and a nest. A nest is not just a place. The nesting of a conscious adult in an unconscious fetal situation is a redefinition of a kind of being in a fragile mass, the recollection of the primary relation between a mother and her child from within to without. This is the meaning of life's fragility.

حجت‌الله احمدی
Hojjatollah Ahmadi

Tree collection

مجموعه درختان





سمانه احمدی
Samaneh Ahmadi



Untitled

بدون عنوان



اشکان اختر/محبوبه ابراهیمی
Akhtar Ashkan/Mahboobeh Ebrahimi

Final mirror

آینه نهایی



امنیت در سایه‌ی "من دیگری بزرگ (سوپرایگو)"

نهایت تن‌دادن و سرسپردگی به اقتدار "من دیگری بزرگ یا همان سوپرایگو" قطعاً نابودی و فنا است. تأمین امنیت موقت و سطحی، محدود و معطوف به فایده به نفع سوپرایگو، تنها دستاورد این انقیاد و سرسپردگی است.

Security in the shadow of "my super ego"

The outcome of submission and surrender to power of superego is nothing but death and destruction. Ensuring a fleeting and superficial security, is limited and subject to the benefit in favor of the superego and the sole accomplishments of these subordinations and surrender.



خارج از مسابقه
Out of Competition

بهزاد اژدری
Behzad Ajdari



حسرت

کاربردی‌ها وسیع‌ترین امکان حضور و تأثیربخشی هنر و اندیشه را در زندگی فراهم می‌آورند. حبس شیء هنری در زندان گالری‌ها و موزه‌ها یعنی قطع ارتباط وثیق بین "هنر" و زندگی. در چنین وضعیتی هنر و اندیشه هنری به محاق رفته و هدف "هنر" به مثابه نوعی اندیشه معطوف به کارایی و تأثیر، محقق نخواهد شد.

Regret

Practicality provides the most extensive means of presence and effectiveness of art and thought in life. Imprisoning an objet d'art in galleries and museums means the severance of the solid link between "art" and life. In such a condition art and ideas are veiled and the aim of "art" as a concept for effectiveness and impact is not accomplished.





کاربردی‌ها را نکشید

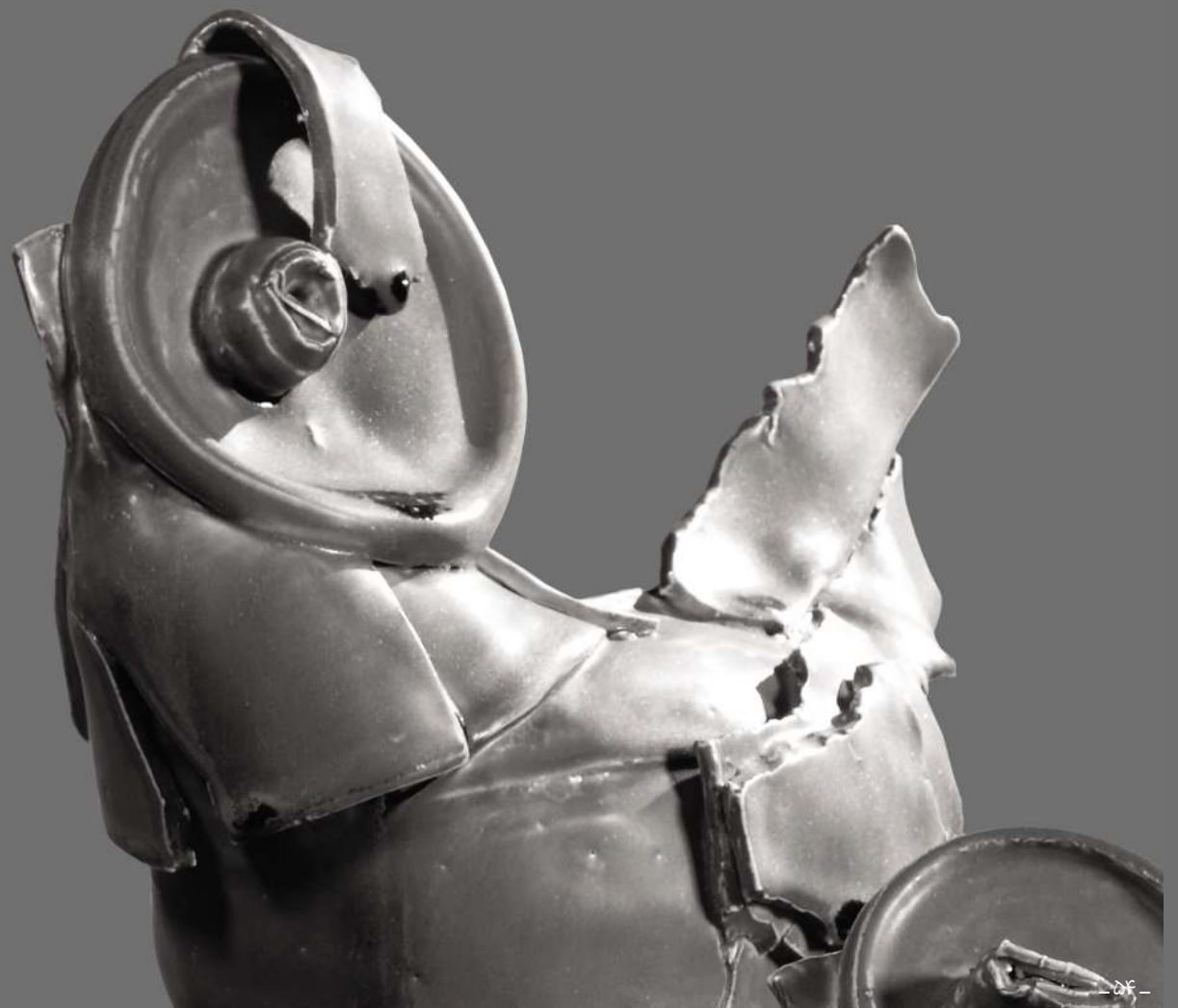
اگرچه طرح شعارگونه یا شعاردادن در ارائه آثار هنری مورد نقد منفی شدید است اما معتقدم که شعارها به‌عنوان خلاصه یا شیره و جوهره و جانمایه یک ایده و نظریه مفصل، جهت انتقال سریع و کارآمد و موثر آن ایده، مفید و کارسازند. شعار با شعارزدگی متفاوت است، از آن حیث که در دل شعار، نوعی عمل گفتاری یا التزام به عمل نهفته است در حالیکه در شعارزدگی چنین نیست. به عبارتی، شعار یک مانیفست خلاصه شده است. شعار "کاربردی‌ها را نکشید" در چنین موقعیتی است.

کاربردی‌ها به‌عنوان مجرا یا مدخل ورود هنر یا اندیشه هنری در زندگی عمومی فارغ از میزان اندیشمندی مخاطب خود می‌توانند حضور هنر را در زندگی میسر، حفظ، همیشگی و روزمره کنند. در حالیکه آثار هنری غیرکاربردی از این امکان وسیع نفوذ بی‌بهره‌اند.

Kill not the Functional

While motto like design or mottos in artworks are strongly chastised, I believe that as a brief statement or the essence of a wide-ranging idea or theory, it is quite useful and effective. Motto is different from slogan because at the heart of the slogan there lies a kind of a spoken action or a requirement for it, which is lacking in a slogan. In another word, motto is a summarized manifesto. The "Kill not the practical" is in such position. As the conduit or the gateway for the entrance of art or artistic idea in public life regardless of the level of the audience's intellect, practicality can maintain, sustain and establish the presence of art in life. Whereas, non practical artworks are deprived of this great potential sphere of influence.





Family

خانواده











تزلزل

تزلزل کار من دیدن پدیده‌هایی است که از شدت آشکار ی پنهان می‌نمایند. پدیده‌هایی که در بستر حیات روزمره جاری هستند یا بهتر بگویم در بستر تجربه یمن از زندگی قرار دارند. تغییر جایگاه و نگاه به یک شی و کارکردش و تلفیق آن با فیگوراتیو طریقی است که من معنا و مفهوم آثارم را به شیوه‌ای گروتسک وار بیان می‌کنم.

Waver

The waver in my work is seeing phenomena that remain hidden while they are in full view. They are events that occur in everyday life or better said lie in the bed of the happy experiences of life. Change of perspective, looking at an object and its use and combining it with figurative is a process, through which I express the meaning and concept of my works in a grotesque like manner.





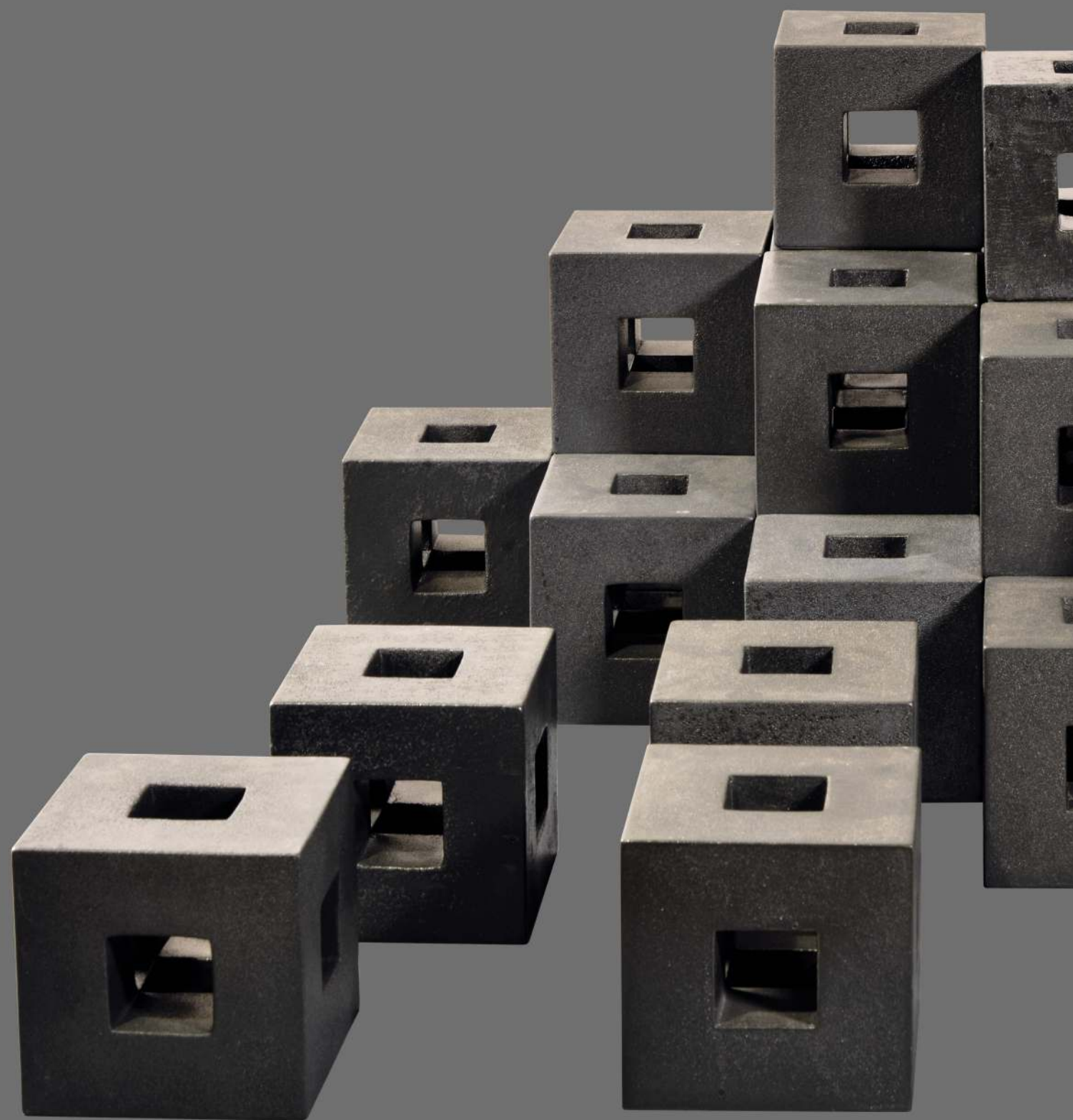
خارج از مسابقه
Out of Competition

رضا افشارطوس
Reza Afshar Toos

Cell

سلول







This soil

این خاک



آزمایش و تمرین نوازش با موتور جوجه‌گردان ۲۲۰ وات

تقلیل می‌یابیم
از روحی والا و بی‌نهایت به
یک قطعه از ماشینی که بی‌محابا و مُمتد
می‌تازد بر دشت‌های تاریک
سنگستگی

متریال | گل رس تقویت‌شده با شاموت و خمیر کاغذ؛ موتور روشن ممتد
(گیربکس دار جوجه‌گردان ۲۲۰ وات)؛ کابل برق سه-در-دو؛ ورق آهن رنگ‌شده

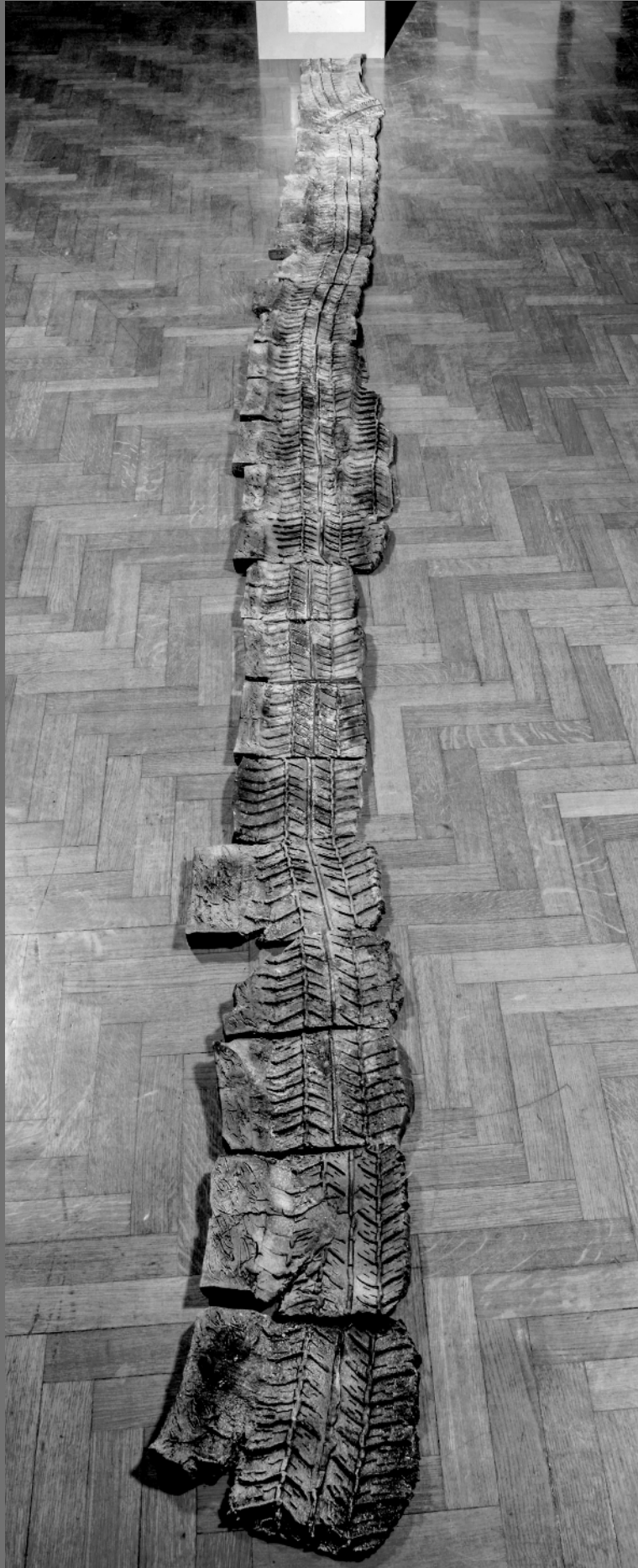
Test and exercise of carress with
a 220W chicken turning motor

We shrink from a high and endless soul
to a piece of machine, which,
fearless and relentless, gallops in
the dark plains of bewilderment





جهانبخش امیر بیگی / لنا یکتا
Jahanbakhsh Amir Beigi / Lena Yekta



اشتباه رخ داده در موقعیت جغرافیایی ۴۷۵۰۹۷,۴۸,۹۷۲۳۵۷,۳۴

در این پروژه در نظر داریم حاصل عمر و تلاش بی‌وقفه پدرانمان را در جایگاه رانندگانی که زندگی خود را در مکهبی متحرک گذرانده‌اند با استفاده از عناصری که زمانی برای آن‌ها در حکم ارزش بوده و اینک رنگ و بوی زنگاریافته و کهنه به خود گرفته‌اند به اجرا در آوریم و به وسیله بازشناسی عناصر انتخاب شده به این مسئله پردازیم که خواستگاهمان کجاست و چه موقعیتی را سپری کرده‌ایم و زیست ما موثر از چه ویژگی‌های اجتماعی و شخصیتی بوده است و اینک هرچه هست گویی ریشه در این کهنه بازار سفر و تجربه دارد...

Error in the coordinates 34',972357, 48',475097

Our intention in this project is to portray the result of life and the relentless efforts of our fathers in the position of drivers, who spent their lives in a mobile cube, using elements, that at one time was of value to them but now have taken on the color and feel of rust and wear; and by reprocessing the selected elements answer the questions of where do we come from, what situations have we passed through and what social and personality traits have influenced our lives?

Whatever there is now, seems to be rooted in this worn out circle of travel and experience...



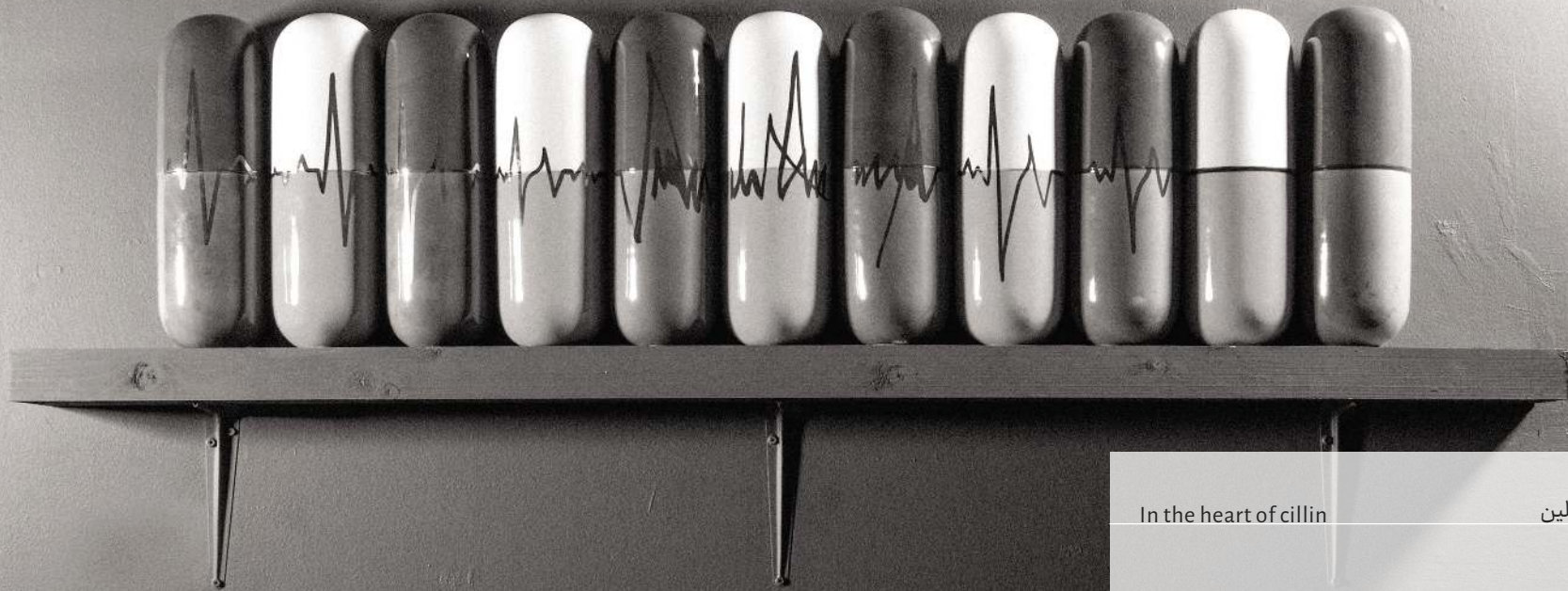


Agitation

آشفتگی



محمد بابایی
Mohammad Babaei



In the heart of cillin

در دل سیلین





پیکره ساعت شنی

اسطوره، تو خالی کردن واقعیت است. این بی نام و نشانی بورژوازی هنگام گذار فرهنگ بورژوازی به معنای واقعی کلمه به فرم های رایج، بوالهوسانه و به دردبخور و آن چیزی که می توان آن را فلسفه عوامانه نامید شدت بیشتری می یابد. فلسفه ای که اخلاق روزمره، آداب رسمی، تشریفات زندگی و خلاصه عرف های نانوشته زندگی جمعی در جامعه بورژوازی را تغذیه می کند. مطبوعات ما، سینمای ما، ادبیات رایج ما و... همگی در زندگی روزمره ما بیانگر آن مناسبات خاص انسان با جهان است که بورژوازی برای خود و برای ما می سازد.

(رولان بارت/ کتاب اسطوره ای امر)

Hour glass's body

Mythology is emptying the reality. This lack of name and sign of bourgeoisie intensifies in the passage of the culture of bourgeoisie in the true sense of the word to the common, whimsical and useful forms that can be referred to as the philosophy of the masses. A philosophy that feeds the daily attitudes, official behaviors, life's routines and in short the unwritten norms of communal life in the bourgeois society.

Our press, our cinema, our common literature, etc. in our daily lives underline the special relation of mankind with the world, created by bourgeoisie for itself and for us.

(Roland Barthes / mythologies)



هر انسانی معادله شخصی خود را دارد

کم‌بینایی که یک دفعه برای من اتفاق افتاد، من رو گوشه‌گیر کرد. تشخیص ندادن چهره آدم‌ها اتفاقی بود که هر روز توی مدرسه آزارم می‌داد. سختی‌های زیادی رو گذروندم تا متوجه شم که باید به‌جای پذیرفتن این موضوع به عنوان ضعف توی زندگیم، راهی رو پیدا کنم که توش توانایی بیشتری داشتم. حالا این چیزی که سال‌ها نقص می‌دونستم رو تفاوتی می‌بینم که می‌تونه کمکم کنه برای پیدا کردن مسیر و جای درست خودم. اینکه به‌جای شناختن آدم‌ها از چهره‌شون، می‌تونم رنگ کفش‌هاشون و طرز راه رفتن‌شون رو تو ذهنم نگه دارم. من توی شرایط جدیدم هم، همون آدم اجتماعی قبل موندم. افراد در شرایط یکسان رفتارهای متفاوت دارند.

Each person has his/her own personal equation

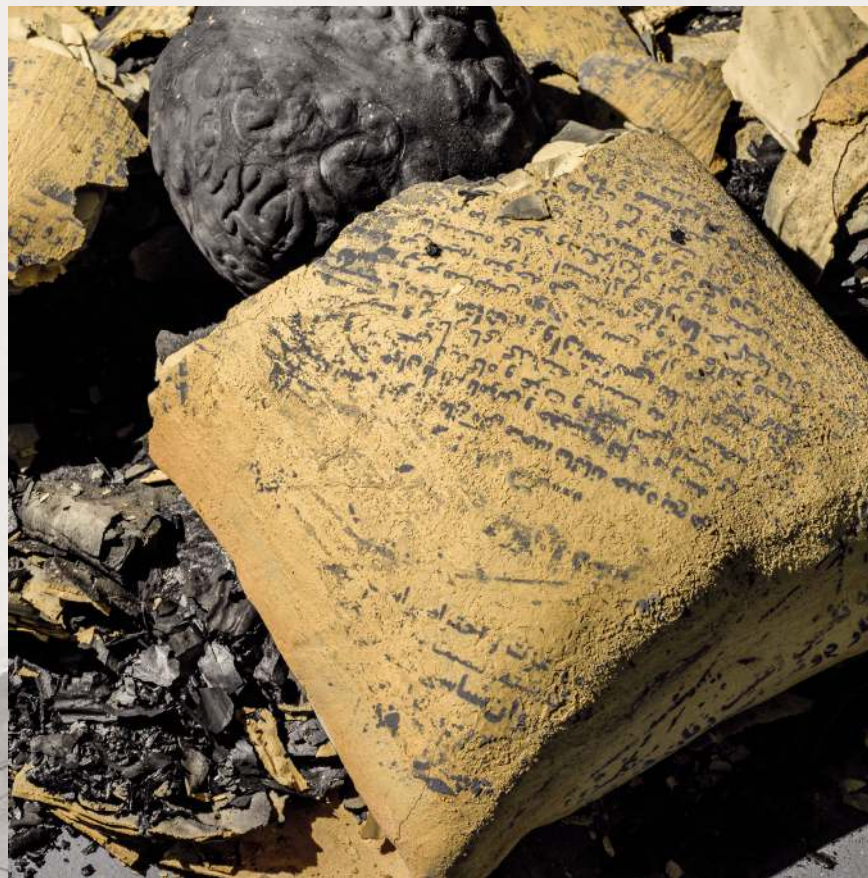
Low vision that hit me suddenly made me a recluse. Being unable to distinguish the face of the people was quite painful to me at school. It took a lot of difficulties to make me realize that instead of accepting it as a weakness in life, I had to find a path in which I excelled. Now, this thing that I considered as a defect for years, is the distinction that can help me in finding my path and my place. Instead of recognizing people from their faces, I now keep the color of their shoes and their manner of walking in my mind, and even in my new state, I am still the same social person I was, whereas, in similar conditions, people have different behaviors.



خارج از مسابقه
Out of Competition

صادق باقری
Sadegh Bagheri





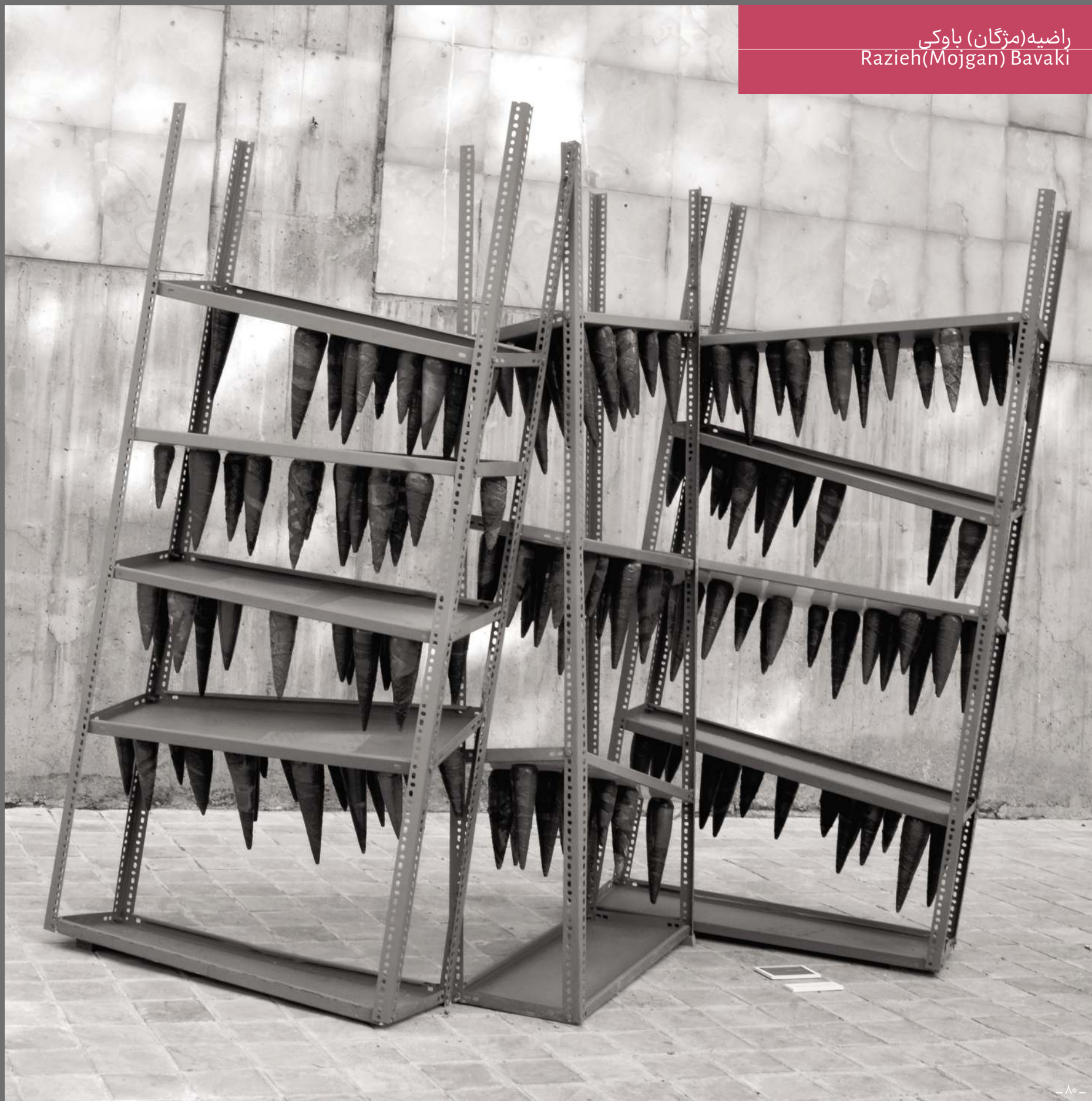
محصول

ساگار یا پخت درون محفظه تکنیکی در سرامیک هنری است که در آن **هنرمند** با ایجاد **اتمسفر مورد نظر** خود و قرار دادن قطعه درون **محفظه بسته** و همچنین در مجاورت با مواد سوختنی به دنبال خلق **نتیجه مورد نظر** خود است.

Product

Saggar or firing in a vessel is a technique in ceramic art, in which, by creating his / her own atmosphere and placing the piece in an enclosed vessel close to firing materials the artist tries to created his/her intended artwork.





چهارشنبه، هجدهم دی ماه نود و هشت

هرچه تلاش کنیم باز هم نمی‌شود لحظه‌ای را به عقب بازگرداند یا از یاد برد. اما شاید بتوانم درون مشوش خویش را در این جهان وارونه، بازنمایی تجربه‌ای تلخ، از نو سحر زندگی را در خود جاری کنم.

Wednesday 8th January 2020

No matter how hard we try, it is not possible to turn back for a moment or to forget it. But, maybe in my inner turmoil in this upturned world, I might flow the dawn of life a new by reflecting a bitter experience.





Scorched land

زمین سوخته





All there is

بود و نبود



برگزیده
Winner

زیبا پاشنگ
Ziba Pashang

رسوب

سرکوب و پنهان کردن عواطف منفی، رسوبی سخت و سنگین را به درون هدایت می‌کند. این درونریزی عاطفی و فروخوردن احساسات منفی می‌تواند اثرات جبران‌ناپذیری را بر سلامتی بر جای گذاشته و به شکل یک بیماری مزمن و پنهان بروز نماید.

Sediment

Suppressing and hiding the negative feeling, invites a hard and heavy sediment within. This emotional introversion and quelling of negative feelings can lead to irreparable consequences for health and manifest itself as a secret chronic illness.





آنکوتایپ

تست مقیاس بندی عود مجدد سرطان پستان (dx oncotype) یک آزمایش ژنومی منحصر به فرد است که به خانم‌هایی که اخیراً به سرطان تهاجمی پستان و در مرحله اولیه ابتلا هستند، کمک می‌کند. این تست پیش‌بینی می‌کند که آیا مرحله اول یا مرحله دوم سرطان پستان که گیرنده استروژن مثبت است و گروه لنفی منفی است به سایر قسمت‌های بدن گسترش می‌یابد. این آزمایش بر اساس ۲۱ ژن خاص در یافت تومور پستان که در طی عمل جراحی برداشته شده است، پاسخ شما را به شیمی درمانی مشخص نموده و همچنین میزان بازگشت سرطان را نشان می‌دهد.

Oncotype

The oncotype dx is an exclusive genomic test, which helps women who have been diagnosed having the invasive breast cancer and who are at the early stages of the illness. The test determines whether the initial or the second stages of the breast cancer, which is the receptor of positive estrogen and negative lymphatic group, will spread to other parts of the body. The results of tests carried out on 21 special genomes in the cancer tissues taken from the patient during a surgical operation determine her response to chemotherapy and the amount of cancer reappearance.





دلارام پیروز
Delaram Pirooz

Untitled

بدون عنوان





مرتضی ترسلی
Morteza Tarassoli

Leafless garden

باغ بی برگ





زلفناز تقوی Zolfenaz Taghavi

کیوریتور لیلا صبوری
Curator Leyla Saboori

زلفناز

زلفناز تقوی، هفتاد سال پیش در روستای چینی بولاغ آذربایجان به دنیا آمد. با بوی گل در کنار تنورهایی گلی بزرگی خو گرفت که مادرش برای پخت نان می ساخت. "زلفناز" مادر و گل را باهم شناخت. گل های باقی مانده از تنورها، فرم های اولیه ی آسیاب بازی های "زلفناز" بودند. "زلفناز" ازدواج کرد، مهاجرت کرد و سخت درگیر زندگی شد. سال ها گذشت و هم بازی شدن با نوه هایش زمانی شور خوابیده ی درونش را بار دیگر بعد از سال ها شعله ور کرد که پای خمیر بازی به میان آمد. حس لمسی که سال ها لایله ای انگشتان چروکیده اش خفته بود با خمیرهای بازی بیدار شد. تجربه ی سال ها مشاهده و آرزوی طعم دیرین خلق، کار خود را کرد و او را جسورتر از قبل در آغوش یار دیرین نشاند. حیوانات، سردیس هایی به شکل انسان، تغییر، تغییر، خودش می گوید: "کارهایم تغییر که می کنند انگار صفحه را برمی گردانم و صفحه ای جدید آغاز می شود." حال او چندین سال است که با گل آرام و تنها می نشیند و دنیای خودش را می سازد. زلفناز رنگ رنک حنا و رنگی که از پوست گردو می گیرد را کارهایش می پسندد. گل های کارهایش را بچه هایش برایش می آورند و او هنوز چشم در گل هایی دارد که مادرش با آن تنور می ساخت. خانه ی زلفناز در محله ای است از محله های قدیمی تبریز. صورت های گلی «زلفناز» بخش مهمی از درون او و تجربه های زیستی او هستند. زلفناز، دوست دارد هر آنچه با گل می سازد را نشان مهمان هایش دهد. مجموعه ای حاضر شامل پنجاه و هشت صورت است که زلفناز در بهار و تابستان نود و نه ساخته است.

لیلا صبوری، پاییز نود و نه

Zolfenaz

Zolfenaz Taghavi was born seventy years ago in the Chini Bolagh Village of Azerbaijan and grew an affection for the smell of mud around the large mud built oven used by her mother to bake bread. "Zolfenaz" became acquainted with mother and mud at the same time. The muds left behind from the oven made up the first toys of "Zolfenaz". She married, emigrated and became preoccupied with living. Years past and playing with her grandchildren rekindled the sleeping passion within, when clay was involved. The sense of touch that lay dormant for years between her wrinkled fingers awakened with play dough.

The experience of years of observation and the old desire for creation did their work and took her to her long lost companion keener than ever. Animals, human shaped figurines, change, change. She says: "When my works change, it's like turning an entire new page to start all over again". For some times now, she sits serene and by herself with clay to build her own world. Zolfenaz prefers the color of Henna and the color she takes from walnut skin in her works. Her children bring her the clay, but she still vies for the mud, with which her mother made her oven.

Zolfenaz's house is in our neighborhood, one of the oldest in Tabriz.

The clay figurines of Zolfenaz are an important part of her and her life experience. Zolfenaz likes to show whatever she makes to her guests. The current collection includes fifty eight faces Zolfenaz made in the spring and summer of 2020

Leyla Saboori
Fall 2020



Being hidden

نهان بودگی

خارج از مسابقه
Out of Competition

مرضیه تقی‌خانی
Marzieh Taghikhani







خدیجه (آزاده) تنها
Khadijeh (Azadeh) Tanha

Tiredness

خستگی



خديجه (آزاده) تنها
Khadijeh (Azadeh) Tanha

One time Puttifer's wife,
n times Joseph

يك بار زليخا، n بار يوسف





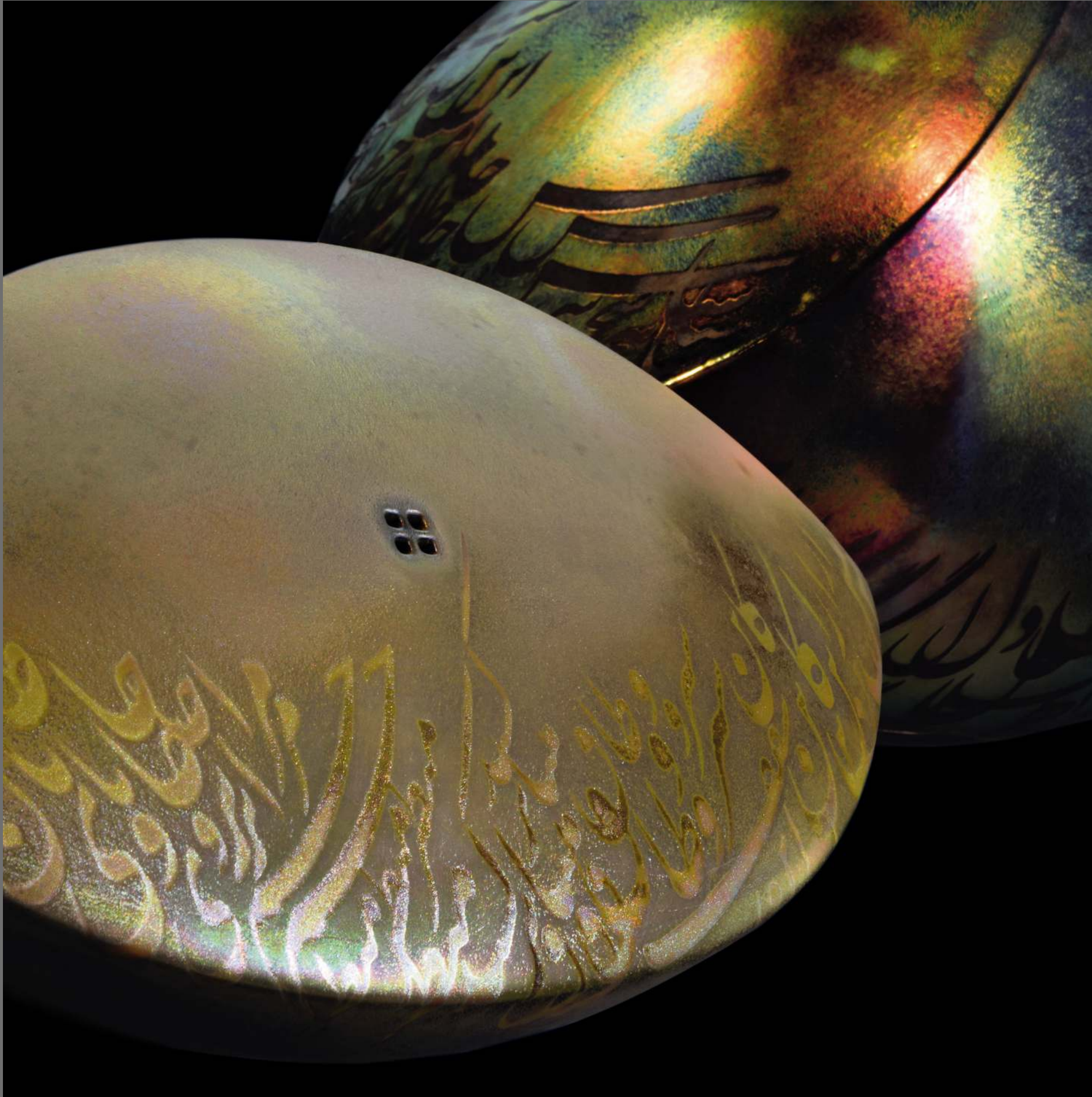
محسن توحیدی
Mohsen Tohidi

Untitled

بدون عنوان

منتخب
Nominate





ارغوان جابری
Arghavan Jaberi

My 365 days

۳۶۵ روز من



سرامیک بنیان

سرامیک تنها یک متریال نیست، بلکه مدیوم و یا فرآیندی است که قابلیت‌های متفاوتی دارد. سرامیک این امکان را می‌دهد تا به کمک آن فرم‌ها، رنگ‌ها و جنسیت‌های متفاوتی را پدید آوریم.

Ceramic foundation

Ceramic is not just a material, but a medium or a process with different potentials. Ceramic makes it possible to create different forms, colors and materials.



سید محمد جوادی
Seyed Mohammad Javadi



Untitled

بدون عنوان



Germination

رویش



زهرة حاجي زاهدي
Zohre Haji Zahedi

Ms. Teapot

خانم قوری





رهایی

لایه‌ها می‌پوسند و جدا می‌شوی از پوسته پوسیده باورهایی
که تو را در خود حبس کرده‌اند تا به تعادل برسی
و آواز رهایی سردهی.

Release

Layers wear out and separate from
the decayed crusts of beliefs that have
imprisoned you within to reach to balance
and to chant the song of release.





زهرا حبیبی خسروشاهی
Zahra Habibi Khosroshahi

Dystopia

دیستوپیا (ویرانشهر)



مسافریں بی مقصد

همه ما مسافریم با چمدانی. مدام از خاطره‌ای به خاطره‌ای دیگر، از دردی به درد دیگر، از جایی به جای دیگر، از رویایی به رویای دیگر می‌رویم. چمدان همه ما پر از خاطره، درد، رویا و خیلی چیزهای دیگر است. هرکس تنهایی‌اش را داخل یک چمدان می‌ریزد و به دوش می‌کشد تا به جایی بهتر برسد. چمدان‌ها همیشه با ما می‌مانند و گاهی هم به هیچ مقصدی نمی‌رسند. تنها و مچاله می‌مانند کنار خاطرات تلخمان از بودن و ماندن. اینجا ۱۷۶ چمدان به مقصد نرسیده و رها شده‌اند.

Travelers with no destination

We are all travelers with a suitcase. We flit constantly from a memory to another from a pain to another from a place to another and from a dream to another. Our suitcases are brimming with memories, pains, dreams and many other things. Each person throws his/her loneliness in a case and carries it on his / her shoulder to reach some better place. Suitcases remain with us throughout to get to nowhere at times. Alone and crumpled they remain beside our bitter memories of being and staying. Here 176 suitcases have not reached their destination and lay abandoned.



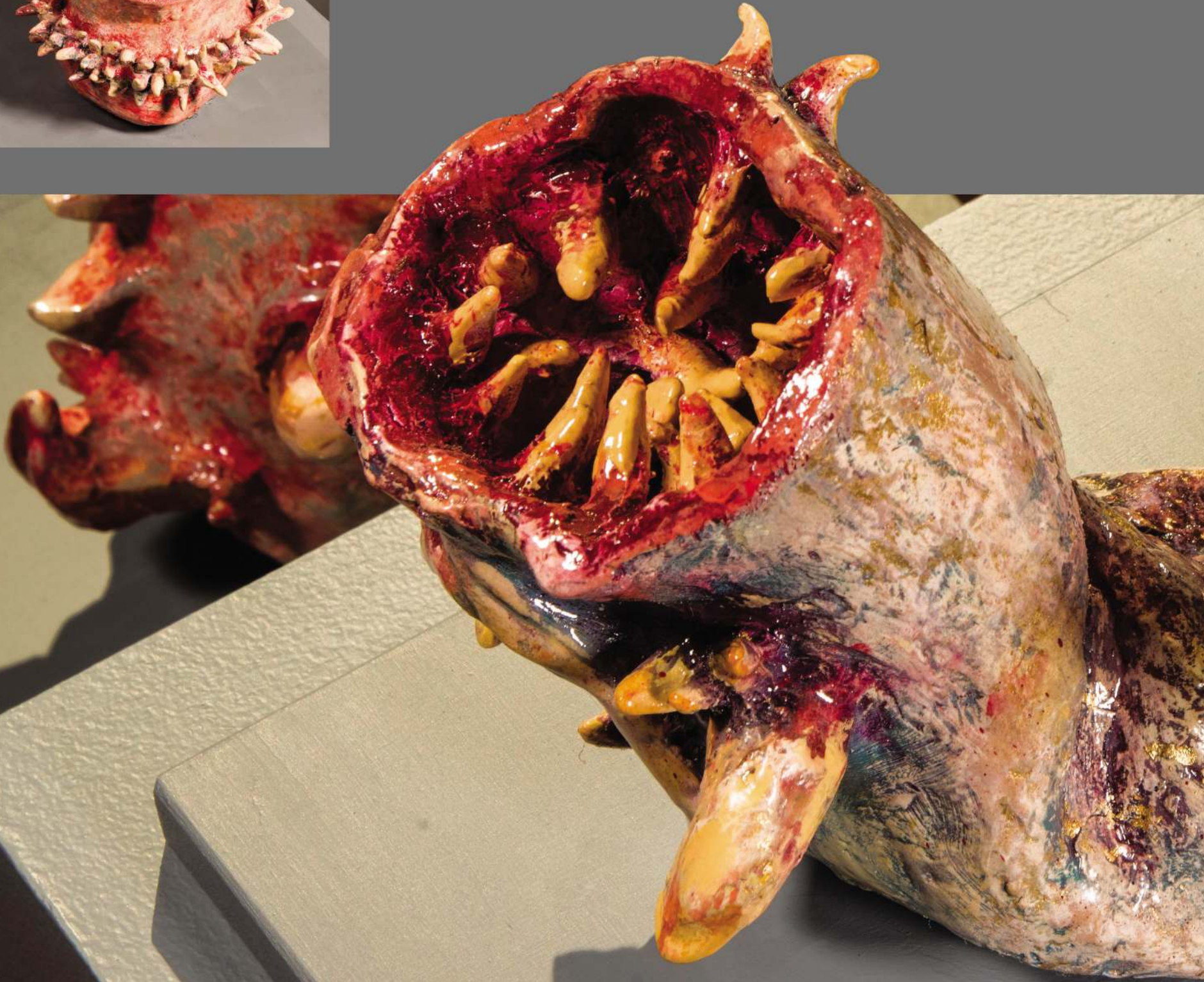




Goldiv

گلدیو







Mechanism of handle

مکانیزم دسته



خارج از مسابقه
Out of Competition

صفا حسینی
Safa Hosseini

Grazing in the pasture
of advice

چریدن در چراگاه نصیحت







Why don't you sneeze?

چرا عطسه نمی‌کنی؟





رویا حقیقی
Roya Haghighi

Interior

اندرونی



فاطمه (پروین) حیدری نسب
Fateme (Parvin) Heidari Nassab

A Censor

آسانسور





نگین خدادادی
Negin Khodadadi

Untitled

بدون عنوان



هجمه‌ها

باورها و شرایط فرهنگی حاکم بر جامعه از گذشته‌ها تا کنون نگاه و جهت فکری را برای افراد جامعه تعیین می‌کند و آنها را در قالب چهارچوب‌ها و پیش‌فرض‌هایی از قبل تعیین شده قرار می‌دهد. مردم هر جامعه قسمت زیادی از این فرهنگ، ایدئولوژی و نگاه به زندگی و مسایل مختلف آن را همچون قسمتی از یک عضو جدانشدنی همیشه در باورهای خود به همراه دارند. قضاوت‌های من و جامعه در مورد رفتارهای خودم همچون سایه ای از هجوم هجمه‌ها سراسر عمر همراهم هستند.

Assaults

Beliefs and cultural conditions governing a society have from the past to date determined the views and opinions of individuals placing them in the frames of predetermined presumptions. People in each society carry a large part of this culture, ideology and outlook in life and different issues in their beliefs like an inseparable member. My and the society's judgement of my behaviors accompany–any me throughout my life like a assault of attacks.



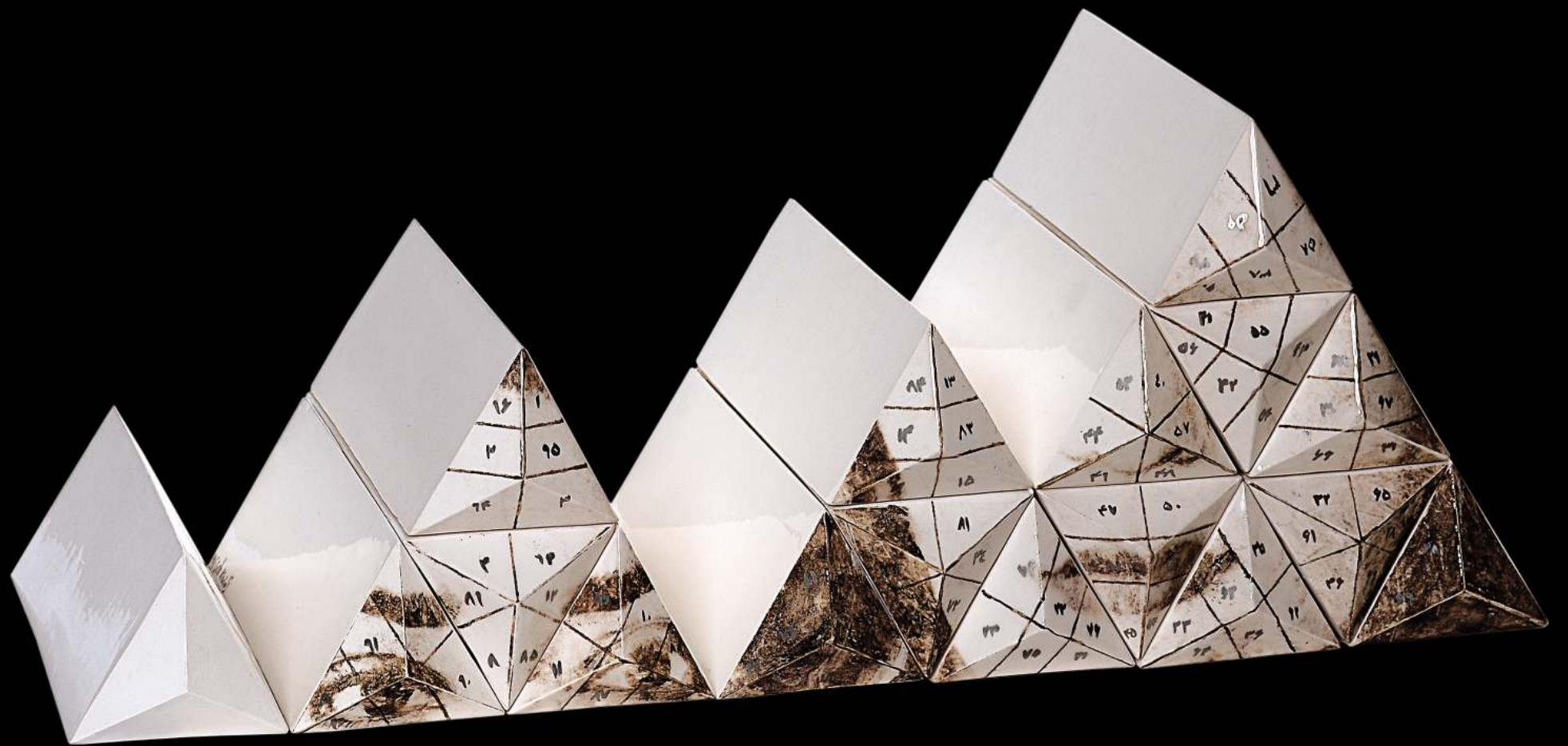
مثلث غریب الوجود

نقش‌های هندسی در هنرهای ایرانی، پیوندی عمیق و ناگسستنی با مبادی نظری، فلسفی و خواستگاه واقعی خویش یعنی عرفان داشته است و صورتی شایسته برای انعکاس فلسفه‌ی عرفان ایرانی می‌باشد. نشانه‌های رمزی که در متن آثار تزئینی هندسی نهفته است به سبب حقیقت راستین خویش، صورت مثالی از دنیا و خاستگاه وجودی خویش می‌باشد. آبشخوری که خود سرچشمه‌ی آن از منبع وحی ملهم است، از آنجائی که «رمز به نوعی عین همان چیزی است که بیان می‌دارد وحدت حاکم بر کثرت اشکال و فرم‌های موجود در نقش‌های هندسی، صورت رمزی این پیام واحد است که «از نظر عرفان ایرانی، هنر الهی پیش از هر چیز تجلی وحدت الهی در جمال و نظم عالم است. وحدت، در هماهنگی و انسجام عالم کثرت و در نظم و توازن، انعکاس می‌یابد... هنر جهان را روشن و مصفا می‌کند، به روح مدد می‌رساند تا از کثرت تشویش انگیز امور برهد و به سوی وحدت بیکران بازگردد.

Strange Triangle

The geometric designs in Iranian arts have a deep and unbreakable link with their theoretical and philosophical sources and actual roots i.e. mysticism, and are the apt representations of the Iranian spiritualism. In the light of their true reality, the signs of the secret hidden in the geometric decorations are the allegories of their world and origin, the fountain, which is derived from the divine source. Since mystery is almost like the actual entity it conveys. The unity governing the multiplicity of shapes and forms in geometric design, is the mysterious presentation of this unique message that "in the Iranian spiritualism, the divine art is first and foremost the manifestation of divine unity in the beauty and order of the universe. Unity is reflected in the harmony and consolidation of world of multiplicity and in order and balance... Art lights up and purify the world, and helps the soul in escaping the stressful abundance of affairs and in returning towards the never ending realm of unity.





گل‌های وطنی یا چگونه می‌توان خاک حاصلخیزی داشت؟

National clay or how to have a fertile soil?

تکنیک

چرخ و، دستساز و زیررنگی
درجه پخت سفال / لعاب ۱۰۵۰ - ۱۰۰۰
نوع لعاب: ترکی و قلیایی





مهسا خوش کشت / احمد عرب بیگی
Mahsa Khosh Kesht / Ahmad Arab Beigi



هوموگان

قسمت عمده و بزرگی از خلاقیت و تولید اثر منحصر به فرد در فاین آرت معاصر در گروی تعامل و دیالوگ میان هنرمند و متریال و مدیای مورد نظر می باشد. این رفت و برگشت کنش ها و واکنش ها میان هنرمند و مدیا برای ما آن قدر پررنگ و مهم است که گویی همان اندازه که هنرمند در شکل دهی متریال مؤثر است. متریال نیز در شکل دهی بیان هنری هنرمند تأثیرگذار است.

با محوریت قراردادن این نوع نگاه به شیوهی ساخت، گل و سرامیک بی شک یکی از اصلی ترین متریال هایی است که به واسطه ی انعطاف پذیر بودن در طراحی و ساخت فرم ها می تواند موجب اتفاقاتی بداهه گردد و بر شکل گیری بیان هنری هنرمند تأثیر مستقیم بگذارد.

هوموگان (homo-gun) تجسم و تصویری اسطوره ای و تمثیلی از موجودی بدوی و کهن است که با بیان هنری معاصر و تجربه ی زیسته ی امروزی هنرمندانش شکل گرفته است.

Homo-gun

The major part of creativity and exclusive artwork production in the contemporary fine art environment is owed to the interaction and dialogue between the artist and the intended material and media. This exchange of actions and reactions between the artist and the media is so crucial and important for us that the material is as effective in shaping the artistic expression as the artist is in shaping the material. By focusing on this view of production, clay and ceramic are without a doubt the main materials, which by flexibility in design and forms can lead to improvisation and have a direct impact on the artistic expression.

Homo-gun is a mythical and allegoric visualization of a primal and ancient being, which has taken shape by the contemporary art expression and the modern living experiences of its artists.





Untitled

بدون عنوان

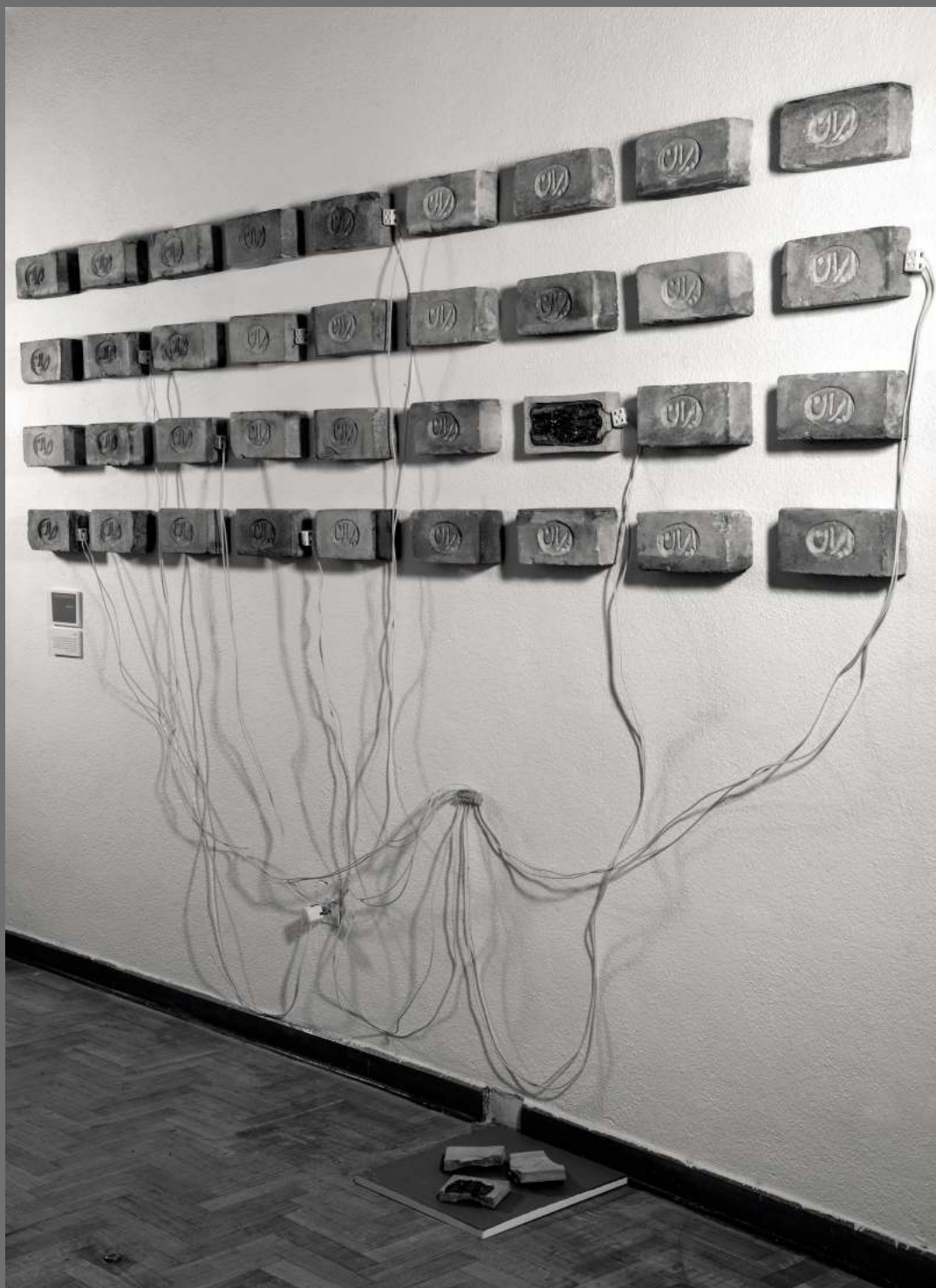




On the condition of honor

به شرط ناموس





التهاب

وقتی دمای جسم بالا می‌رود انرژی درونی آن نیز افزایش می‌یابد. و این امر باعث می‌شود که جنبش و تحرک مولکول‌های ماده بیشتر و بیشتر شود و در نتیجه مولکول‌ها به یکدیگر بیشتر برخورد می‌کنند و از یکدیگر نیز بیشتر فاصله می‌گیرند. افزایش فاصله به این علت است که مولکول‌ها با انرژی بیشتری با یکدیگر برخورد می‌کنند. در دماهای بالا پیوند مولکولی از هم گسسته می‌شود و جسم حالت خود را از دست می‌دهد.

Tension

When the temperature of an object rises, its internal energy increases as well. This causes greater excitation and movement of its molecules, and consequently, greater collision and greater distance among them. The increased distance is due to the fact that molecules hit each other with more energy. At high temperatures, the molecular bonds break up and the object loses its form.



هزاران من و ما

از گذشته تا حال و از حال تا هزاران سال دیگر همه می آیند و می روند اما زندگی در تن جام های سفالین استمرار دارد و نقش ها همیشه ی تاریخ بر تن آنها رقص می کنند و ما سوار بر گذشته و هویت خویش زندگی خویش را نقش می زنیم. انگار ما نیز به عنوان بازیگران تاریخ نقشمایه ای را بر تن این جام ها بدهکاریم تا بازی این نقش ها در گذر زمان ساکن نشود. گویی ما نقوش نقاش پیوسته زمانیم و زودتر از گوزه های متولد شده می شکنیم و زودتر از نقوش تنیده در جام ها نقش ما به پایان می رسد.

Thousands of me and us

From the past to today and from now until thousand years in future, people come and go, but life continues to flow in the body of earthenware and patterns will always dance on their body, while we, atop our past and identity, we trace out our lives. As if in the position of actors in history, we owe a design on the bodies of these cups to prevent stagnation in time. As if we are the designs of the time's eternal painter, and break up sooner than the born vases and our design ends sooner than the patterns traced on the cups





حسن رضایی
Hassan Rezaei

Structure

ساختار





Untitled

بدون عنوان





$۲+۲=۴$

من ناپدید شدم مثل قطره‌ای که بخار می‌شود.

$2+2=4$

I have disappeared like the drop of water that evaporates.



بز لنگی و گوہسیہ

زندگی مردم سیستان همیشه با قصه و اسطوره همراه بوده و در باور این مردمان، موجودی به نام «بز لنگی» (شر) و «گوہسیہ» (نماد خیر و برکت) وجود داشته است، تقابل این روایتی فرهنگی این مردمان را رقم می‌زند.

Bozlangui and GooH Sieh

The lives of people in Sistan has always been mixed with tales and myths. They believe in a creature called "Bozlangui" (evil) and another called "GooH Sieh" (good). Their conflicts and opposition make up the region's culture.







صدای زیستنم

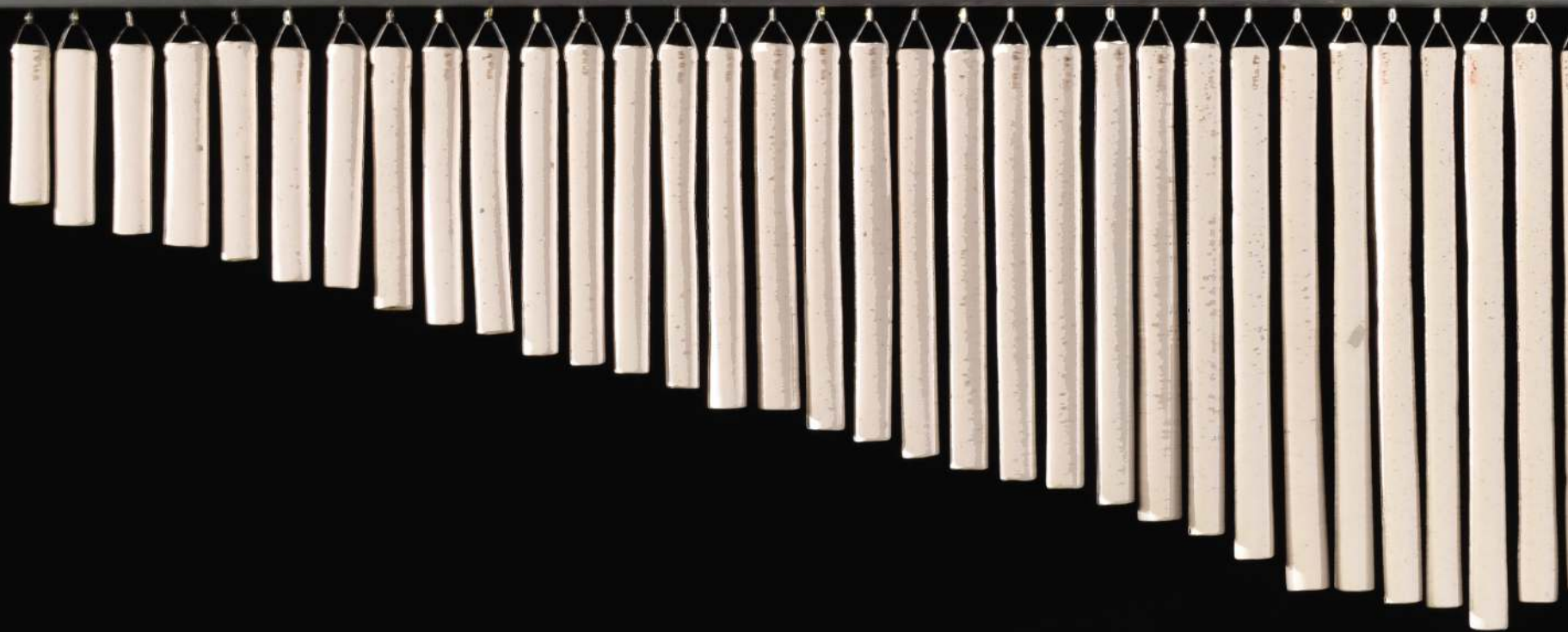
سیم، قلاب، چوب، نخ و ۷۵ لوله سرامیکی حاوی خمیر کاغذهایی از یادداشت های روزانه ام که طی ۷۵ روز گذشته نوشته ام. تجربه هر روز گذرانده شده در یک لوله سرامیکی باقی خواهد ماند و حال از هر روز، یک نُت شنیده می شود.

The sound of my living

Wire, hook, wood, thread and 75 ceramic pipe containing papers of my daily notes, written over the past 75 days. The experience of each day shall remain in a ceramic pipe, and now from each tday a note shall be heard.



منتخب
Nominate



سپیده زمانی
Sepideh Zamani

محل نگهداری راکت و توپ پینگ پنگ

The place to keep the ping pong racket and ball



GOLD CUP TABLE TENNIS

GOLD CUP TABLE TENNIS

792N

52

DHS
40+ TABLE TENNIS BALLS
MADE IN CHINA

علی زمانی
Ali Zamani

نای‌های سوخته زمین

The earth's burnt windpipes

منتخب
Nöminate





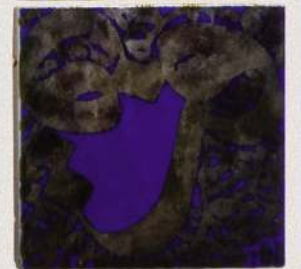
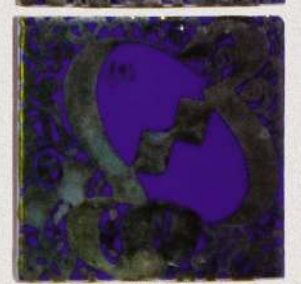
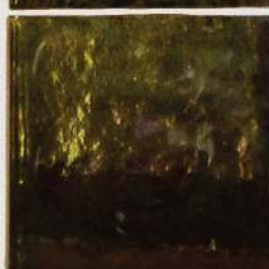
Untitled

بدون عنوان

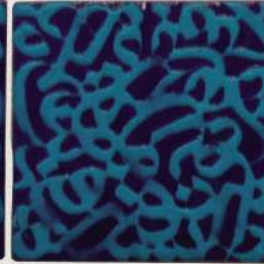
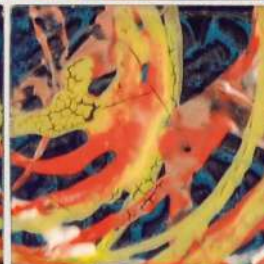
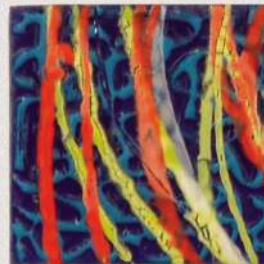


خارج از مسابقه
Out of Competition

بهروز زیندشتی
Behrooz Zindashti



Untitled بدون عنوان



سارا زینی حسنوند
Sara Zeini Hassanvand

۹

فارغ از هیاهوی جهان بیرون، وز می‌دهم گل سرشتم
و بنا می‌کنم عمارتم را با خشت‌های درونم. در جهانی که
همه چشم می‌دوزند، تو لمس کن و مرا با نوک انگشتانت بشنو.

9

Oblivious of the tumults of the outside world, I kneed the clay of my
being and erect my monument with internal mud. In the world, where
everyone watches, touch me and hear me with the tip of your fingers.



خودکاوی

تصمیم گرفتم برای داشتن حال و هوایی بهتر از یک مشاور روان درمانگر کمک بگیرم. جلسات ما شروع شد و همچنان ادامه دارد. در این دوران با احساساتی در خودم روبرو شدم که هرگز آنها را ندیده بودم. احساساتی که پنهان بودند و سالها رفتار مرا هدایت می کردند. بابت این کشیدن هر کدام، تصویری روبرویم ظاهر می شد که آنرا در قالب یک مجسمه می ساختم. خودکاوی من، باموضوع خودکاوی دوسالانه یکی شد و این مجموعه را روبروی شما قرار داد.

Self analysis

I decided to seek the help of a psychoanalyst for a better feeling. Our sessions began and continue still. In this period, I faced emotions within that I had not seen before. Feelings that were hidden and directed my behavior for years. With the extraction of each, an image would appear before me, which I built in the frame of a statue. My self-analysis coincided with the self-analysis theme of the biennial and put this collection in front of you.







خاکراه

در منطقه‌ای از بمپور در استان سیستان و بلوچستان که در گذشته یکی از مراکز مهم سفالگری بوده است، قبرستان‌های وجود دارد که تیکه‌های خرد شده سفال روی هر گور مشاهده می‌شود. ایده اصلی این پرفورمنس در واقع از روایت این آداب و رسوم سنتی و کاربست آن به شکل اثری مدرن در جامعه شهری شکل گرفته است. در گذشته شغل اکثر افراد در این منطقه کشاورزی بوده است و افراد برای آبیاری مزارع خود از نوعی کوزه به اسم کوزه‌بند استفاده می‌کردند که سهم آب هر فرد را مشخص می‌کند وقتی سرپرست یا مالک آن زمین فوت می‌شود به رسم اهالی روستا کوزه آن شخص متوفی بر سر خاکش شکسته می‌شود و به اعتقاد آنان هیچ سهمی دیگر از این دنیای فانی با خود همراه نمی‌کند. در این اجرا از فرم تاج به‌عنوان ایزه‌ای نمادی، که اعتبار و ارزشی عاریتی را به من می‌دهد، در ماهیتی بی‌ارزش و فانی از جنس خاک در اجرا (پرفورمنس) و شکننده و بی‌ثبات در (چیدمان) نشان داده شده است. آب که مظهري از پاکيست در فضای غسلخانه‌ی من درونی، من بیرونی را از هر شهرت گذرا پاک می‌کند.

Road dust

In a region of Bampoor in Sistan and Baluchistan, which was once an important center of pottery, there are cemeteries where broken pieces of pottery can be seen on every grave. The main idea behind this performance is in fact the narration of this traditional rite and ritual and its presentation in the form of a modern work in urban society. In the past, the people in this region were engaged in farming and to irrigate their farms they used a special urn named Koozeh Band, which determined the share of water for each person, and when the head or owner of the land passed away, as was customary, the villagers broke the vase on the deceased grave, and in way, according to their belief, the dead person could no longer take any share of this mortal world. In this work, the form of crown as a symbolic object, which provides me with a borrowed credit and value, is shown as a worthless and mortal entity made of soil in performance and fragile and instable in installation. Water, which is the symbol of purity, cleanse the external me of the fleeting fame in the pool space of the internal me.



سودان (نام آخرین کرگدن سفید نر شمالی)

سودان در سال ۱۹۷۳ در حیات وحش کشور سودان به دنیا آمد. دو سال بعد شکار شد و به چکسلواکی منتقل گردید. در سال ۲۰۰۹ سودان و خانواده‌اش به همراه کرگدن نر دیگری به حیات وحش کنیا منتقل شدند. سودان آخرین کرگدن سفید نر شمالی از بیماری شدید جسمی رنج می‌برد. در سال ۲۰۱۸ و در سن ۴۵ سالگی محیط بانان برای اتمام به رنج بیشمارش او را به خواب ابدی فرو بردند. اکنون فقط دو کرگدن ماده از این گونه در دنیا باقیمانده است. شکار بی‌رویه بخاطر شاخ‌های عجیب این گونه برای مصارفی چون درمان در طب سنتی شرق دور، ساخت دسته خنجر در یمن و عمان، بخت آوری و تقویت قوای جنسی، باعث انقراض کرگدن سفید شمالی گردیده است.

Sudan (the name of the last white male Rhinoceros of the north)

Sudan was born in the year 1973 in the wild of Sudan. It was hunted after two years and transferred to Czechoslovakia. In the year 2009, Sudan and his family along with another male rhinoceros were transferred to the wild in Kenya. Sudan, the last white male rhinoceros of the north suffered from a sever body ailment. In the year 2018, and at the age of 45, the rangers put him to the eternal sleep to end his pains. Now there are only two female rhinoceros from this family in the world. The erratic hunting for the strange horn of this species for uses such as traditional medicine in the Fareast, production of dagger handle in Yemen and Oman, lucky charms and boosting sexual powers, has caused the extinction of the white rhinoceros of the north.



فاطمه (وستا) شیبانی
Fateme (Vesta) Sheibani

آستانه خستگی

Threshold of fatigue





خودانکاری

برای دلخواه و خوشایند دیگران بودن بر همه موجودیت و هویت خویش پرده می‌کشیم و تماماً به نفی و انکار خویش اقدام می‌کنیم. زمانی از تکرار ملال انگیز نقش دروغین خود به ستوه می‌آییم و اقدام به بازگشت می‌کنیم که دیگر کار از کار گذشته است.

Self denial

To please others we cover our entire being and identity and do our outmost in self denial. When we finally get tired of the boring repetition of our false pretense and try to return, that is too late.

رحيم شيردره حقيقي
Rahim Shirdareh Haghighi

Untitled

بدون عنوان





گهواره

پرورش و نگهداری انسان! برای برخی، به دنیا آوردن یک انسان برابر است با اضافه شدن ۴۵۵۰۰ تومان به درآمد ماهیانه، خانواده‌ای را تصور کنید که کسب درآمد بیشتر را بر مبنای به دنیا آوردن فرزند بیشتر می‌دانند و در نهایت ۵ بچه با بیماری خاص ژنتیکی به نام ایکتیوز به دنیا می‌آورند. اوضاع وقتی پیچیده‌تر می‌شود که می‌فهمیم، به دنیا آوردن این بچه‌ها با چنین بیماری نادر، طبق آگاهی قبلی والدین از احتمال بروز آن در فرزندان‌شان بوده است.

Craddle

Raising and caring for humans! For some, giving birth to a human being is equal to the addition of 455,000 Rials to the monthly income. Imagine a family that considers giving birth as a means of more revenue generation, and end up finally with 5 children afflicted with a genetic disease called Ichthyosis. The matter becomes further complicated, when we realize that giving birth to children with such a rare condition has occurred with the full awareness of the parents of the risks involved.





Knowledge (third valley)
Praised be Creator the Pure
Who made life and faith in soil secure

This collection is made from broken earthenware thrown away from the pottery class. I attended the pottery class for self-cognition. I wanted to work with clay and wheel to get closer to myself. I sometimes wondered how we humans have become unaware of our essence and of what it is capable of. Some works are easily thrown away for the simple reason of a crack, break or lack of name and sign on them. In fact, the clays were put in the same black plastic bag and thrown away in the same dust bin, which was filled with all types of dry and wet trash. I was reminded of the Simorgh's story by Attar. At first, the travelling companions were all filled with the enthusiasm of reunion, but throughout the course and faced with difficulties, each starts complaining. Aware of the potential for recycling clay and its greater rigidity after drying and breaking, I decided to collect it to build the Simorgh's statue. In fact, if someone threw away a piece clay, I would be right behind to pick it up. Corona came and we faced many lock downs. A lot of works were put on the shelves at the early stages of work and dried up. Most cracked or broke and nobody came for them. A large volume was set to be thrown away, but I requested the Institute to give them to me to be able to build a statue with cellulose clay. They accepted and I brought them all to the studio, but contrary to my decision, those broken and rejected pieces meant that I did not work for about a month. I realized I could not bring myself to break them. One thing that always excited me in the pottery class was the resemblance of the forms with the person making it. Although the instructor taught a form, which we would make in our wheels, but the work of each person would be like him/her. So, my studio was filled with different selves that were cracked and broken or were breaking up. Looking at them, I recalled the birds in the Simorgh story, who set on for the seven valleys, but their journey was cut short due to the fate and events in their course. The collection is called "knowledge", related to the third valley of the Simorgh's story by Attar, and these are the birds from that valley.

If shines on the sun of knowledge
From heavens to this excelled course
Each becomes wise to his image
And gains anew his true source.

Life teaches again and again, and the cycle of existence recreates. At times failures create values and impurities become the reason for solidarity. These are all layers of the existence's wisdom engraved on our bodies.

معرفت (وادی سوم)

آفرین جان آفرین پاک را
آنکه جان بخشید و ایمان خاک را

این مجموعه از ظروف مصرفی شکسته‌ای شکل گرفته که در کلاس سفالگری دورانداخته شدند. من برای خودشناسی به کلاس سفالگری رفته بودم. می‌خواستم با گل و چرخ کار کنم تا به خودم نزدیک‌تر شوم. گاهی احساس می‌کردم چقدر ما انسان‌ها از ماده وجودی خود و توانایی‌هایش غافلیم. بعضی کارها به خاطر یک ترک خورده‌گی یا شکست یا نداشتن نام و نشان بر رویشان به راحتی به سطل زباله انداخته می‌شدند. در واقع گل‌ها در همان نایلون مشکی بسته و در همان سطل آشغالی که پر بود از زباله‌های خشک‌وتر به دورانداخته می‌شدند. یاد داستان سیمرغ عطار می‌افتادم. ابتدا همسفران شور و شوق فراوانی دروصال دارند، اما در مسیر با مواجهه سختی‌ها هریک بهانه‌جویی می‌کنند. با علم به توانایی بازیافت گل و استحکام بیشترش بعد از خشک و خردشدگی تصمیم به جمع‌آوری گلهای برای ساخت مجسمه سیمرغ گرفتم. درواقع اگر کسی گلی را دور می‌انداخت، من پشت سرش می‌رفتم و آن را برمی‌داشتم. کرونا شد و با تعطیلی زیادی مواجه شدیم. همین ماجرا باعث شد، کارهای بسیاری در همان مرحله اول ساخت در قفسه‌ها باقی بمانند و خشک شوند. خیلی از کارها ترک خوردند و یا شکستند و هیچکس به دنبالشان نیامد. حجم بسیاری از آنها می‌رفتند که دور انداخته شوند. از مؤسسه خواستم آنها را به من بدهد تا بتوانم با ساخت گل سلولزی مجسمه‌ای بسازم. قبول کردند و من تمام آنها را به استودیو آوردم، اما برخلاف آنچه که فکر می‌کردم، آن کارهای شکسته و خراب شده باعث شدند من حدوداً یک ماه کار نکنم. متوجه شدم دلم نمی‌آید خوردشان کنم. یکی از چیزهایی که همیشه در کلاس سفالگری من را به وجد می‌آورد شباهت فرم‌ها با خود افراد سازنده بود اگرچه استاد یک فرم درس می‌داد و ما هریک بر سر چرخ خودمان آن را می‌ساختیم اما کار هر کس دقیقاً شبیه خودش می‌شد. حال در استودیوی من پر بود از خودهای مختلف که ترک خورده و شکسته بودند و یا در حال شکسته شدن بودند. وقتی نگاه‌شان می‌کردم یاد مرغ‌هایی از داستان سیمرغ می‌افتادم که پا در مسیر هفت وادی گذاشتند اما به خاطر روزگار و اتفاقاتی که سرشان آمد از مسیر باز ماندند. نام مجموعه (معرفت) است برگرفته از وادی سوم داستان سی مرغ عطار و اینان مرغانی از آن وادی هست.

چون بتابد آفتاب معرفت
از سپهر این ره عالی‌صفت
هر یکی بی‌نا شود بر قدر خویش
باز یابد در حقیقت صدر خویش

زندگی بارها و بارها می‌آموزد. گردش هستی بازآفرینی می‌کند. گاه شکستها خود ارزش آفرین میشوند. ناخالصیها دال بر همبستگی شده و اینان همه لایه‌هایی از حکمت هستیست که بر تن‌هایمان نقش بسته



Informational label with red header and text.

Informational label with text.

ریحانه صادقی
Reyhane Sadeghi

نوروفیبروماتوز

Light and fibromatosis

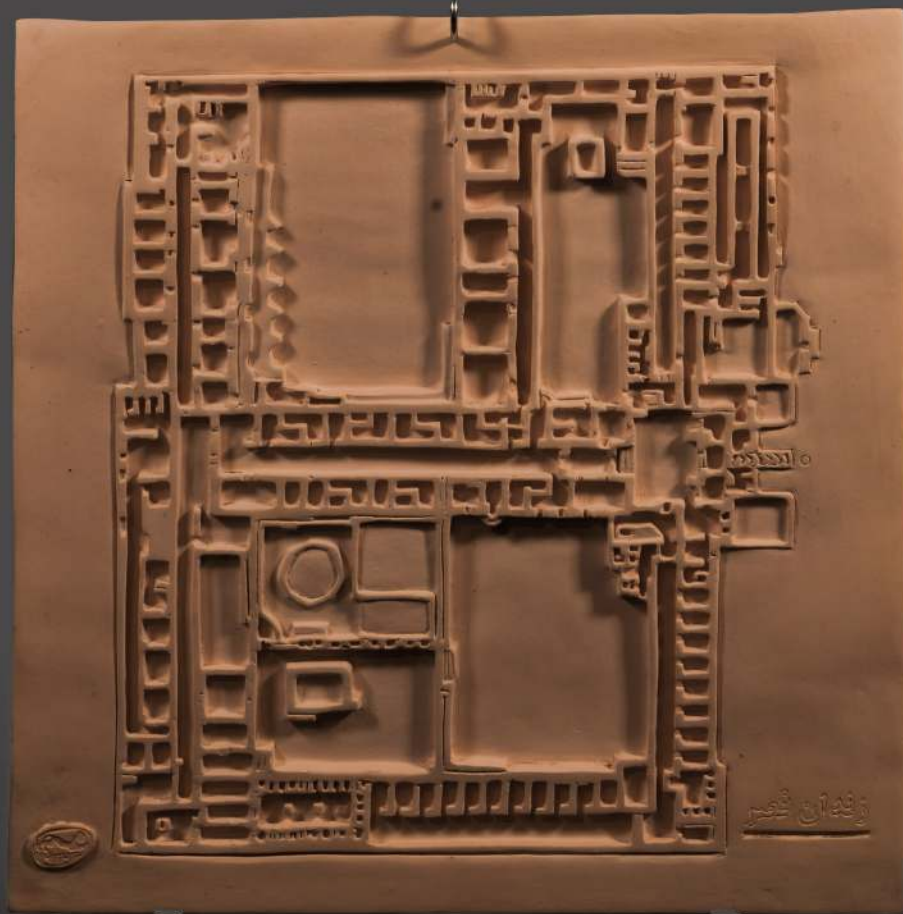
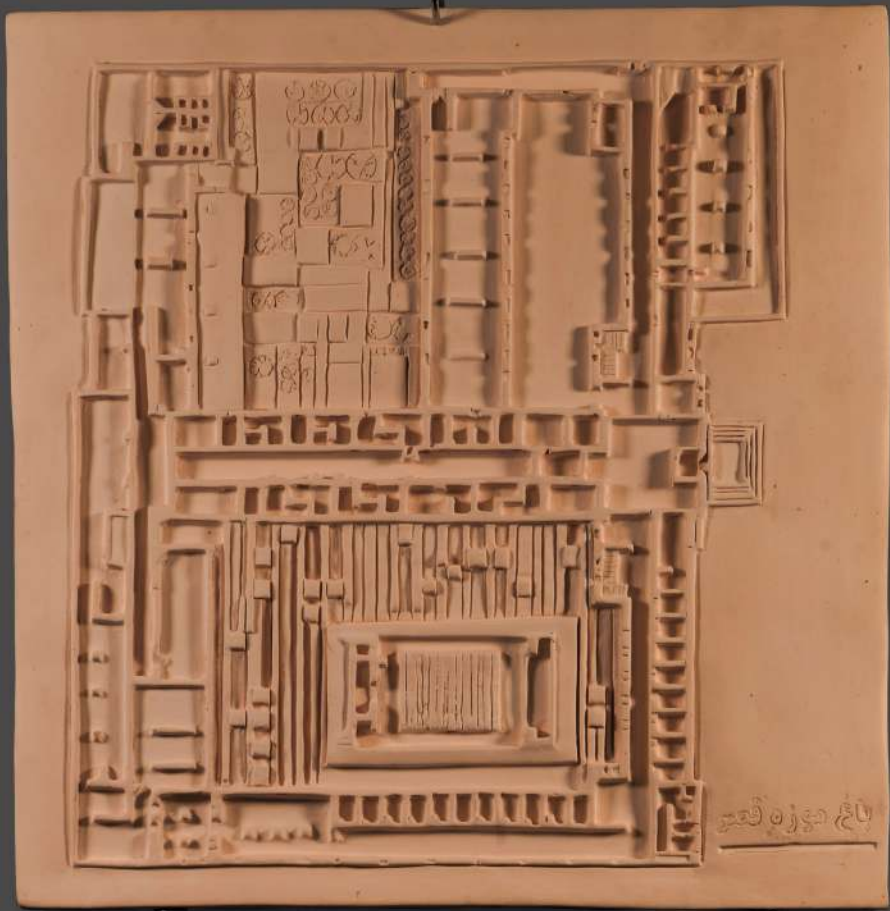


تغییر

همه انسان‌ها در زندگی خویش با ناکامی‌هایی روبرو می‌شوند و نیازهای برآورده نشده‌ای دارند. بهترین راه رویارویی با ناکامی‌ها و مبارزه با افسردگی و عقده‌های درونی، والايش خواسته‌های برآورده نشده و تغییر مسیر در جهت درست و سازنده می‌باشد. توضیح: سه هزار و پانصد سال پیش بشر نقشه و پلان خانه‌های خود را بر روی لوح گلی اجرا می‌کردند. زندان قصر در سال ۱۳۹۱ به باغ موزه قصر تغییر یافت.

Change

Every person meets with failures in life and has an unfulfilled wish. The best way to address failures and to confront depression and internal complications is the sublimation of unfulfilled wishes and changing the course to the correct and constructive path. Explanation: Three thousand five hundred years ago humans drew the plans of their houses on clay tablets. Chasr Prison changed its entity to Chasr Garden Museum in the year 2012.



تبار

در مسیر تکامل انسانی از دیروز تا به امروز، شاهد کهن نشان‌هایی زیستی، نژادی، روانی، و فرهنگی هستیم که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌گردد. هر فرد بشر میراث‌دار تباری است که زمان و زمانه به رسم امانت در دستش به ودیعه نهاده است. این در هم تنیدگی و در هم بافتگی در شخصی‌ترین و فردی‌ترین ویژگی‌های انسانی حتی در اثر انگشت قابل واکاوی و بازشناسی است که اثر تبار راوی گویای خموش ماجراهای رشته سرشت آدمی است.

Ancestry

In the course of human evolution from yesterday to today we witness ancient biological, racial, psychological and cultural signs that are transferred from a generation to the next. Each individual bears s legacy that time and society has entrusted him/her with it. This entanglement and intertwining can be traced and identified in the most personal and individual human character and even in fingerprints, whereby the impacts of antecedence is the silent narrator of adventures drawn by human destiny.





Untitled

بدون عنوان



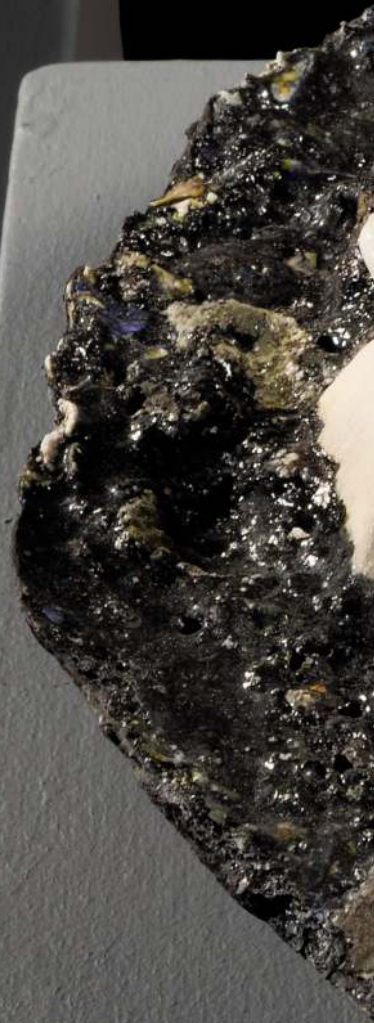
سفیدبخت، مرجان‌ها وقتی "می‌میرند" سفید می‌شوند...

در رسم قبیله‌ای خون‌بس، برای پایان دادن به دعوی خونین میان دو قوم، زنی از طایفه قاتل به طایفه مقتول داده می‌شود که عرب‌ها به آن زن "فصلیه" می‌گویند و در سایر اقوام "خون‌بس" نامیده می‌شود.

Happy, coral become white when they "die"

In the tribal custom of "khoun bass" (Blood stop), to end the bloody feud among two tribes, a woman from the murderer's tribe is offered to the tribe of the tribe of the victim. The Arabs call this woman as "Fassileh", and others refer to her as "khoun bass".







رد ما

در این (نمایش/ارائه/پروژه) خود «ما»، تصویر لحظه‌ای پیش از اکنون ما فرض شده است. باقی مانده‌هایی که تصویری چون رَدّ، بر «خود» ثبت می‌کنند و جزیی از اکنون ماست. قدرت در اصطلاح علوم اجتماعی به معنی توانایی افراد یا گروه‌ها برای دست‌یابی به هدف‌ها یا پیش‌برد منافع خود از راه واداشتن دیگر افراد جامعه به انجام دادن کاری خلاف خواسته آن افراد است. قدرت یک مزیت اجتماعی است که در قشریندی مورد توجه قرار می‌گیرد. بسیاری از ستیزه‌ها در جامعه، مبارزه برای قدرت است؛ زیرا میزان توانایی یک فرد در دست‌یابی به قدرت بر این امر که تا چه اندازه می‌تواند خواسته‌های خود را به زبان خواسته‌های دیگران به مرحله اجرا درآورند، تأثیر می‌گذارد. قدرت می‌تواند از طریق عضویت در یک طبقه اجتماعی یا پذیرفتن یک نقش سیاسی به دست آید. فعالیت‌ها و ویژگی‌های فرد، ثروت فرد و عامل زور نیز می‌تواند در افزایش قدرت نقش داشته باشد. رَدّی به‌جا مانده از ۵۰۰ عدد لیوان سرامیکی (به وزن بیست کیلوگرم، کمترین میزان سرانه تولید پلاستیک غیرقابل بازیافت هر فرد) با نقوش سفالینه‌هایی با عمر هشت هزار ساله که «خود» را فهرست می‌کنند.

Our trace

In this (show/presentation/project) our "self" has been presumed as a moment before now. Remains that record an image like "trace" on "self" and are part of our present. A Trace left from 500 ceramic glasses (weighing 20 kg, the minimum per capita non-recyclable plastic produced by each individual) with eight thousand-year pottery designs that list out "self".

منتخب
Nöminate





بلندمرتبه‌سازی

بلندمرتبه‌سازی اگرچه از اصطلاحات تخصصی حوزه معماری است اما به سبب وسعت معنایی که می‌تواند در حوزه‌های دیگری مانند اقتصاد، سیاست، مدیریت و سایر علوم انسانی داشته باشد حائز اهمیت است. بلندمرتبه‌سازی نمی‌تواند برپایه ساختارهای پوسیده، نامناسب، غیرمرتبط و ... به‌عنوان زیرساخت محقق شود همه راه‌آورد‌های معاصر بشریت در همه زمینه‌ها برای کارایی و کارآمدی‌شان مستلزم به‌کارگیری زیرساخت‌ها و امکانات و شرایط معاصر متناسب با خود هستند.

High rise construction

Although high rise construction is a specialized expression in the field of architecture, but given its broad meaning, it can be important in other disciplines such as economy, politics, management and other fields of humanities. High rise construction cannot be realized on the basis of worn out, inappropriate, unrelated ... Structure as a foundation. All the contemporary human accomplishments in any field require the application of appropriate contemporary infrastructures, facilities and conditions to be effective and efficient.



وحيد علي محمدی
Vahid Alimohammadi

عنصر بیستم

The twentieth element







زوال

هم جواری و نزدیکی من با طبیعت، سبب همزیستی و همزادپنداری با موجوداتی می‌شود که همواره تحت تاثیر صدمات جبران‌ناپذیر شیمیایی و فیزیکی هستند و این امر سبب شده نوعی هویت خویش را جزئی از آن کل ببینیم و بیاموزم چطور با چگونه با آنها همسو باشم.

Downfall

My proximity and closeness to nature has caused the cohabitation and identification with creatures that are constantly exposed to the irreparable chemical and physical damages. This has made me see my identity as a part of the whole and to learn how to be in harmony with them.



ما و فراما

Us and extra us





هدیه از طرف همکار سرامیست
Ting Ju Shao
متولد ۱۹۶۳، تایپه، تایوان

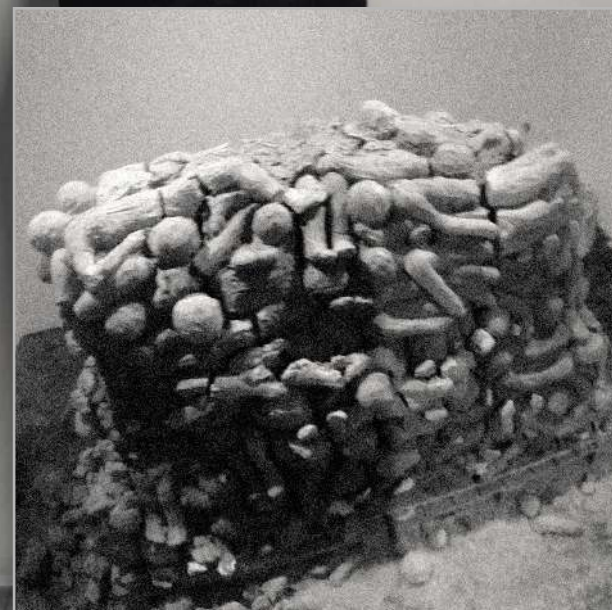


هدیه از طرف هنرمند سرامیست
Kwanho Woo
متولد ۱۹۷۶، کره جنوبی



روایت ساخت دیوار
به دستور و زعم صحنه‌گردان
و عاقبت آن (دیوار)

The story of the wall's
construction on the order
of stage manager and its fate (wall)







بحران

هویت مفهوم گسترده و بزرگی است که تردیدی نیست جامعه مهاجر بامسأله شکل‌گیری هویت جدید روبرو هستند و هنگامی که محیط زندگی تغییر می‌کند در تقابل با هماهنگ شدن جامعه‌ای جدید دچار بحران شده که ممکن است درچنین وضعیتی فرد در دستیابی به هدف‌های متعالی‌تری از باورهای اجتماعی دچارمشکلاتی شود. برای همین احساس ناامنی می‌کند و گرفتار تردیدها و دودلی‌ها به گونه‌ای که گویا خودش، فرهنگش و ملیت خود را نمی‌شناسد و تصور قطعی و ثابتی از خود ندارد که بایک احساس پوچی، بی‌معناری و جامعه‌گریزی گریبان‌گیر است.

Crisis

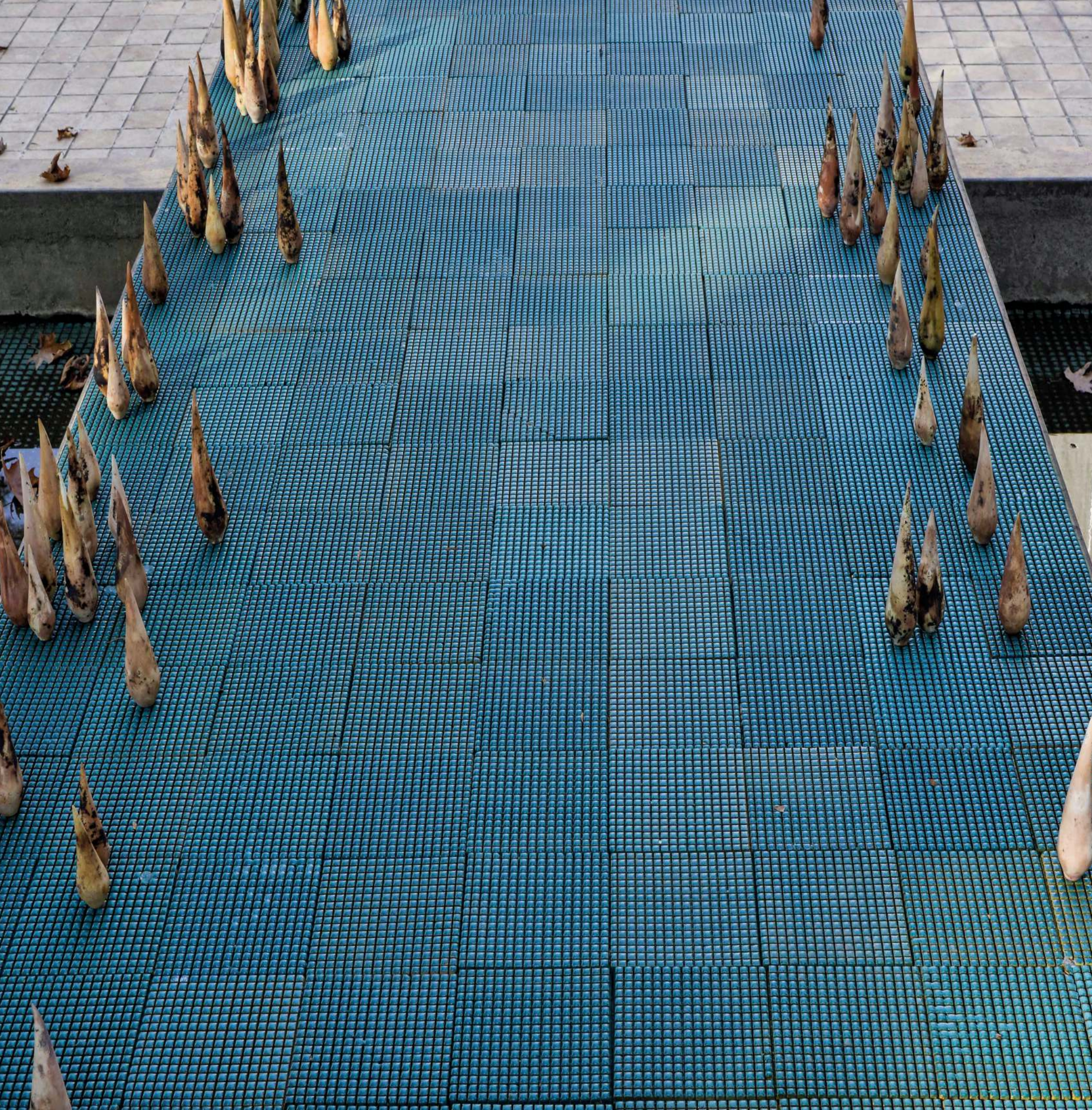
Identity is a large and broad concept and there is no doubt that an immigrant community face the challenge of finding a new identity. When the living environment changes, they encounter crisis, which may undermine the individual's aspirations to higher goals in social beliefs. For this reason he/she feels insecure and prone to doubts and indecision, as if he/she becomes a stranger to his/her self, culture and nationality, and has no definite and fixed image of self, being preoccupied with a feeling of futility, disorientation and seclusion.

خارج از مسابقه
Out of Competition

مجتبی قربانی شاهکوحکی
Mojtaba Gorbani Shahkoochaki

سعدي

Saadi





دشمن دوست نما را نتوان داد تمیز
شاخه را مرغ چه داند که قفس خواهد شد؟
(صائب تبریزی)

The friend faced foe may even fool
the wise and knowing sage,
how is the bird to know that
branch shall be its cage
(Saeb Tabrizi)



گر نشیند فرشته‌ای با دیو
وحشت آموزد و خیانت و ریو
از بدان جز بدی نیاموزی
نکند گرگ پوستین‌دوزی
(سعدی)

Should an angel with a demon mix,
Terror she shall learn, treason and jinx
None but evil shall ye learn from the bad
A wolf does not sew a furry pad
(Saadi)



زهرا قربانی مالفجانی
Zahra Chorbani Malefjani

اول الزمان

The beginning of time







من و تو

You and me



سکینه قنبری
Sekineh Ghanbari

بدن ناموجود – هویت مستعار

Non-existent body – false identity



برگزیده
Winner

راجه کاظم پور
Raheleh Kazempour

—y

یک کروموزوم تفاوت دارم
کالبدم را زره سنت پوشانده
نصف به حساب می آیم

—y

I have a different chromosome
my body has ben covered by the armor
of tradition I am counted as half





بدون عنوان

قدرت در اصطلاح علوم اجتماعی به معنی توانایی افراد یا گروه‌ها برای دست‌یابی به هدف‌ها یا پیش‌برد منافع خود از راه واداشتن دیگر افراد جامعه به انجام‌دادن کاری خلاف خواسته آن افراد است. قدرت یک مزیت اجتماعی است که در قشربندی مورد توجه قرار می‌گیرد. بسیاری از ستیزه‌ها در جامعه، مبارزه برای قدرت است؛ زیرا میزان توانایی یک فرد در دست‌یابی به قدرت بر این امر که تا چه اندازه می‌توانند خواسته‌های خود را به زبان خواسته‌های دیگران به مرحله اجرا درآورند، تأثیر می‌گذارد. قدرت می‌تواند از طریق عضویت در یک طبقه اجتماعی یا پذیرفتن یک نقش سیاسی به دست آید. فعالیت‌ها و ویژگی‌های فرد، ثروت فرد و عامل زور نیز می‌تواند در افزایش قدرت نقش داشته باشد.

Untitled

In the social science, power refers to the ability of individuals or groups in achieving their goals or advancing their interests by obliging other individuals in the society to carry out deeds against their will. Power is a social advantage considered in stratification. Most conflicts in society are fights for power, because they affect a person's ability to achieve power and the extend by which he/she can impose his/her will despite a loss to others. Power may be obtained through membership in a social class or accepting a political role. The individual activities and characters, or wealth and force can also play a role in increasing power.



خارج از مسابقه
Out of Competition





اصفهان ۱۳۹۳

اصفهان برای من که دو سال در آنجا زندگی کرده‌ام به قبل و بعد از سال ۱۳۹۳ تقسیم می‌شود. تا پیش از آن میدان نقش جهان را نماد فرهنگ و تمدن ایران می‌دانستم و به نصف جهان بودنش می‌بالیدم. اما مهر ۹۳ به من آموخت، می‌توان در خیابان بزرگمهر، مهرداد و دروازه شیراز راه رفت و از هر صدای موتوری ترسید و بیشتر از مردمی ترسید که با یک بطری آب همه چیز را به شوخی می‌گیرند. برای تخریب نیازی به نوشتن یادگاری نیست، اصفهان با صورت‌های زخم‌خورده مهرماه فرهنگی را از دست داد که جبران‌پذیر نیست.

پی‌نوشتی برای اسیدپاش:

کاشی‌ها نه روحی برای آزردن دارند و نه درد را احساس کردند، اما من بعد از تماشای اتمام کار، گریه کردم و از دست خودم عصبانی بودم که با آن همه زیبایی چکار کردم؟! حال تو چطور است؟

Esfahan 2014

To me, who lived there for two years, Esfahan is divided into before and after 2014. Before that, I considered the Nahshe Jahan Square as the symbol of Iran's culture and civilization and was proud of its title of Half the World. But October 2014 taught me that one could walk in the Bozorgmehr, Mehrad and Darvazeh Shiraz streets and fear the sound of every bike, and even more the persons who mock everything with a bottle of water. There is no need for graffiti to destroy; with the wounded faces of October, Esfahan lost a culture that can never be regained.

Post script for the acid attacker: Tiles have neither a soul for annoying nor can they feel pain. But, after watching the finished work, I broke up in tears and was furious at what I had done to all this beauty?!
How do you feel?





سرگیجه

Vertigo



نگار میرزائیان
Negar Mirzaeyan

ساعت یازده شب

11 o'clock at night



فرناز میرفخرایی تفرشی
Farnaz MirFakhraee Tafreshi

انسان‌ها در خوابند، آنگاه که مردند، بیدار می‌شوند

People are sleep, they wake up when they are dead







شاخه‌های بیرون‌زده ناآگاهی

هر یک از ما شاید بتواند تنها به تکه‌ای تقلیل یافته از تمامیت نهفته و محصور شده خویش آگاه شود و آنرا زندگی کند چرا که بخش بزرگی از خویشتن خود را در امتداد آمدن و رفتن؛ ناشناخته، مبهم، درک‌ناشده و دفن‌گشته برجا خواهد گذاشت. به‌راستی چه میزان از ریشه‌های آگاهی‌مان را خفته و شکوفاننده باقی خواهیم گذاشت؟

The outcropped branches of ignorance

Each of us may become aware only of a reduced fraction of our hidden and constrained whole and live it, because the major part of our being is left behind, unknown, vague, misunderstood and buried in the course of comings and goings. In truth how much of the root of our awareness will be left dormant and non-flourished?





جزیره شماره ۷

جزیره شماره هفت، سرزمینی است با سازه هایی ناآشنا حاصل تلاقی اشیا با یکدیگر با منطقی غیرقابل توصیف. فرمی جدید و ناشناخته از پس ناخودآگاه ذهن و خارج از قید نظارت عقل و رنگ هایی که دروازه ورود به سرزمین تصور و خیال است.

Island no. 7

Island no. 7 is a land with unfamiliar structures that are the consequence of the connection of objects with each other by an indescribable logic. It is a new and unknown form coming out of the unconscious mind and outside the rules of rationale, with colors that are the gateway to the land of imagination and dream.



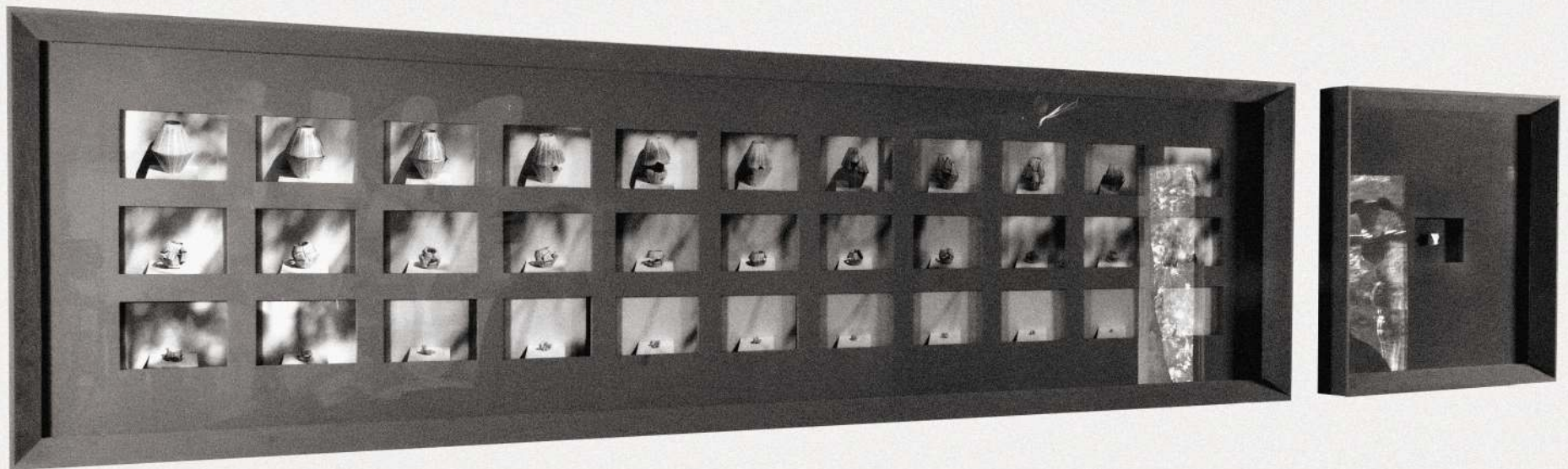


برگزیده
Winner

نسل سوخته

The burnt generation





بدون عنوان

انسان سالک را شهامتی استوار لازم است تا با دل کندن از زوایا، خود را از نو سامان دهد. راهی که در آن قدم نهاده بی‌انتهاست و در این مسیر ناهموار و البته پر شور، بارها و بارها باید متلاشی و سبک

Untitled

The mystic requires a boldness to get rid of additions and to reorganize his/her self. The road he/she treads on is without an end, and in this uneven and of course quite exciting road, he/she must decompose and get lighter to be organized anew, up to the point that there would be nothing left for shredding. This is the beginning of freedom.



Untitled

بدون عنوان

خارج از مسابقه
Out of Competition

بهزاد نیکدل
Behzad Nikdel



Untitled

بدون عنوان

خارج از مسابقه
Out of Competition

مهدی نیکدل
Mahdi Nikdel



آن‌نمایی

در من کشمکش‌یست مدام، میان من پیدای و من‌های نهان. معترضان‌ی همیشگی برای راه‌های نرفته، رازهای سر به مهر مانده. و اینک لحظه‌ هویدایی، نقطه‌ تلاقی هزار زمان نامعلوم. آن‌نمایی من بر من.

That revelation

There is a constant struggle in me between the visible I and the hidden one. The constant protesters about the roads untaken and secrets undisclosed. And now the moment of appearance, the connecting point of thousand times unknown. The revelation of I to me.



نوشین هادی نژاد هرندی
Nooshin Hadinejad Harandi

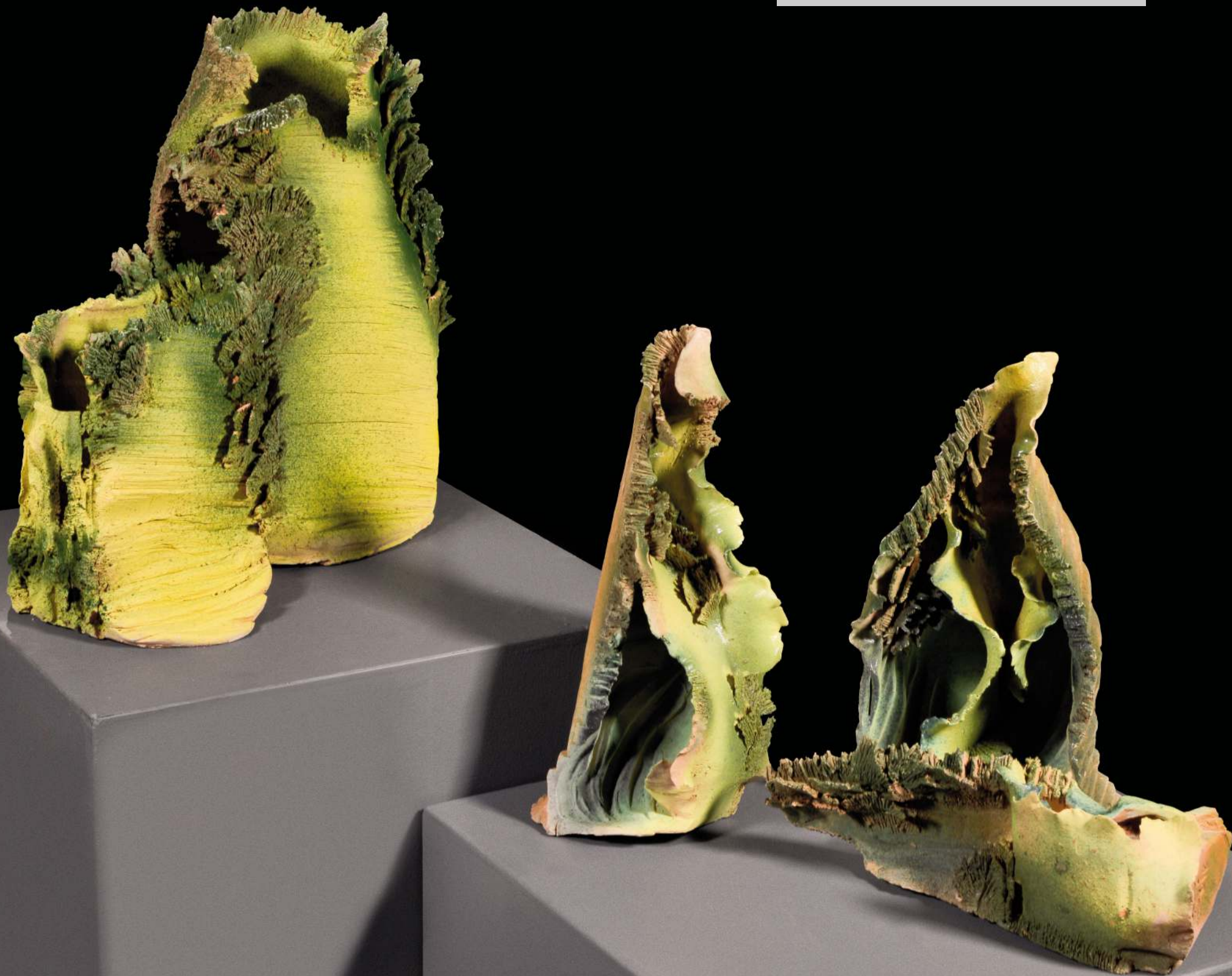


جلوه جوانه‌های وجود

دیوارها می‌توانند همچون صخره‌های سخت و بی‌عبور باشند و می‌توانند پر از دریاچه‌های زیبایی به شکفتن و سبزی و تازگی اگر خود را بکاوی. نیروی طلب تو را چنان می‌شکوفاند که در عین بی‌قراری و استواری زیبا و پر جلوه‌گردی.

The show of buds of being

Walls can be as hard and unsurmountable as cliffs and can be the gateways to beauty, blossoming, greenery and freshness. If you search within, the power of desire will nurture you to the extent that at the height of restlessness and fastness, you become beautiful and radiant.



یازدهمین دوسالانه مَلّی سرامیک ایران

رئیس شورای سیاستگذاری هادی مظفری

اعضای شورای سیاستگذاری منیژه آرمین، کوروش آرایش، صادق باقری، رجحانه حسینی، فرزاد فرجی

دبیردوسالانه **هیرید همت‌آزاد**

دبیر اجرایی دوسالانه **کوروش آرایش**

شورای انتخاب آثار **بهزاد اژدی**، نفیسه خلیج، مجید ضیایی، بیتا فیاضی، مجتبی قربانی شاه‌کوچکی، محمود محرومی

شورای داوری **بهزاد اژدی**، حمید سوری، مجید ضیایی، ژاک کافمن

دبیر پژوهشی **آرزو حاجی‌علی محمدزرگر**

مدیر هنری، طراح و کارگردان **کیانوش غریب‌پور**

مدیر هماهنگی دوسالانه **مرضیه تقی‌خانی**

مدیر برگزاری و سایت **سیدحسین محمدپور**

مدیر ارتباطات و رسانه **سعید اسلام‌زاده**

مدیر امور مالی **جعفر واحدی**

کارگردان مستندسازی **علی صداقت کریمی**

طراحان گرافیک **کیانوش غریب‌پور**، **مهدیه روستایی**

کارشناسان دبیرخانه هنری **زهرا صالحی**، **باران حمیدی**، **خدیجه رجبی**، **هانیه خانی**

برنامه‌نویس سایت و پشتیبانی فنی **وحید علینقی‌زاده**

امور پشتیبانی و کارپرداز **حامد شفیع‌پور**

امور اداری و تشریفات **مریم صفری**

امور اداری و هماهنگی **وریشه معاذیان**، **علیرضا اسمعیلی**

امور مالی **معصومه طوبایی**، **آناهیتا آرمودیان** مقدم، رسول پورعظیمی

مستول خدمات نمایشگاهی **عیسی کاظمی**

عکاس رویداد **معین باقری**

عکاس آثار و کارگردان فنی اختتامیه **فریدون قیصری‌پور**

مدیر تصویربرداری **ارسطو مداحی گیوی**

موشن‌گرافیک **ایمان فردی**

آهنگساز موشن‌گرافیک **افرا گرامی**

تدوین‌گر **سلمه اربابون**

دستیار تصویربردار **فریدون کوچکی**

مجری **مژده شبان**

گریمور **احمد نگهبان**

اجرای گرافیک محیطی نمایشگاه **مهدی نظری (آندیا گرافیک)**

پشتیبانی و خدمات **مریم تقیان**، **احمد بهرمند**

حراست دبیرخانه **حسن حبیبی**، **ابراهیم سلیمانی**

با سپاس از

عبدالرحیم سیاهکارزاده مدیرعامل مؤسسه توسعه هنرهای تجسمی معاصر

عبادرضا اسلامی رئیس فرهنگسرای نیاوران

حمید قبادی مشاور اجرایی معاونت امورهنری

سید امین مؤیدی مشاور برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی معاونت امورهنری

علیرضا حفیظی مدیرکل حراست معاونت امورهنری

اردشیر میرمُنگره معاون هنری اداره کل هنرهای تجسمی

مجید فروغی مدیر روابط عمومی معاونت امور هنری

محمدرضا کاظمی و **همکاران فرهنگسرای نیاوران**

